

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



---

🏠 قم موسسه فرهنگي مطالعاتي صراط مبین - صندوق پستی: ۱۵۱۶ - ۳۷۱۹۵

---

☎ ۰۲۵ - ۳۲۹۰۶۴۰۴

---

🌐 [www.seratolmobin.com](http://www.seratolmobin.com)

---

📧 [Telegram.me/OFOGHeMAKSjournal](https://t.me/OFOGHeMAKSjournal) ▲

---

# نظام اقتصاد کے سازمان روحانیت

سلسلہ  
مباحث  
تحول حوزہ

---

تدوین وحید نجفی

---

مدیر اجرایی مہدی نظری

---

صفحہ آرائی سید مہدی حسینی

---



بیان مسئله ..... ۷

راه‌حل‌های اصلاح و درمان ..... ۱۱

الف) اصول لازم ..... ۱۱

۱. لزوم اصلاح و بازنگری ..... ۱۱

۱-۱. درک اهمیت فوق‌العاده نظام اقتصادی ..... ۱۲

۱-۲. مشکلات ریشه‌دار و باقی‌مانده ..... ۱۳

۱-۳. تحولات عصر حاضر و پیروزی انقلاب ..... ۱۴

۲. حفظ اصول اخلاقی روحانیت ..... ۱۷

۳. تمایز بین وظیفه مسئولان و مردم با طلاب ..... ۱۸

۴. طراحی مدل دینی برای اداره سازمان اقتصادی روحانیت ..... ۱۹

۵. لزوم ایجاد شفافیت ..... ۲۰

ب) نظام تأمین منابع مالی ..... ۲۳

۱. لزوم برنامه‌ریزی برای تأمین منابع مالی ..... ۲۳

۲. لزوم تبیین و شفاف‌سازی ضوابط حاکم بر منابع مالی سازمان روحانیت ..... ۲۴

۱-۲. استقلال حوزه ..... ۲۴



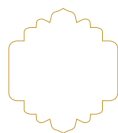
- ۲-۲. تحریم منابع مشکوک . . . . . ۲۷
- ۳-۲. وابستگی معیشت روحانیون به مردم . . . . . ۲۸
۳. بررسی و شناخت اندازه نیازها . . . . . ۳۱
۴. راه‌های تأمین احتیاجات مالی . . . . . ۳۳
- ۴-۱. وجوهات شرعی . . . . . ۳۳
- ۴-۲. اوقاف و تبرعات . . . . . ۳۵
- ۴-۳. کمک‌های دولتی . . . . . ۳۶
- ۴-۴. فعالیت اقتصادی . . . . . ۳۹
۵. کارآفرینی و مشاغل روحانیت . . . . . ۴۱
- ۵-۱. لزوم تمحّض روحانیون به شئون دینی . . . . . ۴۱
- ۵-۲. لزوم پرهیز از شغل قلمدادکردن شئون اصیل روحانیت . . . . . ۴۲
- ۵-۳. ناگزیری از پذیرش اشتغال برخی روحانیون . . . . . ۴۲
- ۵-۴. لزوم برنامه‌ریزی برای اشتغال روحانیون . . . . . ۴۳
- ۵-۵. جلوگیری از مشاغل آسیب‌رسان . . . . . ۴۴

ج) مدیریت منابع مالی سازمان روحانیت . . . . . ۴۵

د) نظام مطلوب توزیع منابع مالی . . . . . ۴۹

۱. معیار در معیشت طلاب و روحانیون . . . . . ۵۰
۲. مشمولان تأمین مالی توسط سازمان . . . . . ۵۱
۳. نحوه پرداخت منابع مالی . . . . . ۵۳
۴. استفاده از ابزارهای خدماتی . . . . . ۵۵





## بیان مسئله

وجهه قدسی روحانیت که از دین به آن سرایت یافته، سبب شده است که مسائل روحانیت کمتر بررسی و کنکاش شود که یکی از مگوترین این موضوعات نیز مسئله معیشت روحانیون است. از آنجاکه بیان و تبلیغ دین باید به دور از انگیزه‌های منفعت‌طلبانه مادی باشد، برخی تصور می‌کنند اصل سخن گفتن در مسئله معیشت روحانیون، کاری ناشایست است و چه‌بسا مطالبات متوهمانه قدسی از پیامبران نیز دامن برخی روحانیون را بگیرد و اصل نیازها و اقدامات دنیوی آن‌ها ناشایست شمرده شود.

از همین رو در بررسی این مسئله با مشکلات متعددی مواجه خواهیم شد. آمار و بررسی‌های درخور اعتنایی نیست تا نشان دهد که آیا معیشت روحانیون نسبت به گذشته بهتر شده است یا بدتر؟ چه تعدادی از طلاب به دلیل مسائل معیشتی از حوزه انصراف می‌دهند؟ چه تعدادی به مشاغل نامناسب جذب می‌شوند و استعدادهایشان تباہ می‌شود؟ آیا سطح توقعات معیشتی طلاب نسبت به گذشته فراتر از تحولات اجتماعی رشد کرده است؟ و ... .

حتی از نظر تئوری نیز مشکلات پرشماری به دلیل سخن نگفتن در این موضوع وجود دارد: آیا شأن مناسب یک روحانی از نظر مالی باید هم‌تراز افراد تحصیل کرده دانشگاهی دیده شود؟ آیا می‌توان معیشت روحانیون را با وابسته کردن آن‌ها به مردم تأمین کرد و درعین حال حریت و عزت آن‌ها را هم حفظ نمود؟ آیا با روی کار آمدن حکومت دینی می‌توان از منابع مالی حکومتی برای تأمین معیشت طلاب بهره برد؟ آیا می‌توان با توصیه‌های اخلاقی و سفارش به ساده‌زیستی مشکلات را مدیریت نمود و تا کجا چنین چیزی ممکن است؟ آیا می‌توان در دنیای به شدت تخصصی‌شده امروز، همچنان در رسانه‌ها به مردم القا کرد که روحانی خوب، آن روحانی است که معیشت او با مسافركشی و کشاورزی و... تأمین می‌شود؟ آیا لازم است به معیشت طلاب در حال تحصیل کمک شود؟ و ده‌ها پرسش دیگر.

همه این پرسش‌ها در حالی مطرح می‌شود که محافظه‌کاری و سخن نگفتن در این مسئله، از اهمیت آن نمی‌کاهد. چگونه می‌توان از تأثیر گسترده نظام اقتصادی و مالی یک سازمان در ابعاد مختلف غفلت کرد؟ آیا همین که مدیریت حوزه‌های علمیه عموماً به دست فقها بوده است (نه سایر علمای دینی مثل متکلمین و مفسرین و...) نشان نمی‌دهد که نظام اقتصادی تا چه میزان تعیین‌کننده نوع حیات علمی حوزه‌های علمیه است؟ آیا آسودگی ذهنی و فراغ بال، امری لازم برای تمحّض علمی نیست؟ آیا دست‌هایی که از آستین‌ها بیرون آمده‌اند تا با تأمین منابع مالی، گروه‌های حوزوی هم‌فکر خود را رشد دهند، دیده نمی‌شود؟ باید بدانیم که حتی اگر روزگاری بساطت اوضاع کمک می‌کرده است تا با این نوع مواجهه، اوضاع را مدیریت کرد و پیش برد، امروز سطح تحولات، چالش‌های بسیاری ایجاد کرده است.

در چگونگی تأمین منابع مالی اداره سازمان روحانیت، بودجه‌های



میلیاردی از دولت جمهوری اسلامی دریافت می‌شود و درعین حال با شعار استقلال، ابراز می‌شود که نباید از دولت پول گرفت. علی‌رغم تجمع وجوهات در چند نقطه محدود، در زمانی که اصل داشتن منابع مالی، امکان بسیار باارزشی است و می‌توان با سرمایه‌گذاری مشکلات مالی سازمان روحانیت را مرتفع نمود، همچنان دغدغه حفظ تقدس‌مآبی مانع این امر است.

سیستم مدیریت وجوه موجود نیز وضع اسفناکی را پیش روی خود دارد. با رحلت یک مرجع تقلید، زندگی طلاب دستخوش تغییر می‌شود و درحالی که چون جوامع بسیط وجوهات فوراً توزیع نمی‌شود و امکان تجمع آن برای مدت طولانی وجود دارد، حوزه در قامت یک سازمان، هیچ مکانیزمی برای انتقال این مبالغ به درون سازمان روحانیت پس از رحلت یک مرجع تقلید ندارد و حتی بدتر آن که اگر این مبالغ تبدیل به مؤسسه و دانشگاه و... شده باشد، مدیریت آتی آن‌ها نیز در هاله‌ای از ابهام فرو خواهد رفت و حوزه به مثابه یک سازمان، هیچ نفوذی در آن‌ها نخواهد داشت. البته طبیعتاً به دلیل تقوا و مکانیزم نظارت درونی افراد حوزوی و علما، چالش‌های جدی در این عرصه رخ نمی‌دهد؛ اما با کدام عقل و منطق می‌توان به مکانیزم‌های نظارت درونی در این امور خطیر بسنده کرد؟

محسوس‌ترین مشکل‌های نظام معیشتی حوزه، در سیستم توزیع آن دیده می‌شود. درحالی که جمعیت طلاب ده‌ها برابر شده و امکانات عصری نیز بسیار متفاوت گشته است، برخی همچنان در دهه‌های گذشته سیر می‌کنند و با تغییرات بسیار کند از صف‌های طولانی شهریه تا ایجاد شبکه دلالی آن را به وجود آورده‌اند؛ و بدترین مسئله بخش توزیع که کمتر احساس می‌شود، تأمین مادام‌العمر عده‌ای بدون هیچ منطق موجهی است؛ گویی بناست عده‌ای تا آخر عمر با وجوهات زندگی خود را بگذرانند؛ بدون آن که ثمرات

وجودی (علمی، تبلیغی و...) آن‌ها در مکانیزمی بررسی شود. حال آن‌که با مشابه‌سازی ساختارهایی چون بورسیه، می‌توان نظام مالی حوزه را به بهترین شکل در خدمت رشد و رونق علمی آن درآورد (هرچند تقلیل سیستم حوزه به یک نظام آموزشی صرف نیز خطاست).

مسائل دیگری نیز در این عرصه درخور توجه است؛ از جمله مشاغل طلاب و تحولاتی که پس از انقلاب در آن پدید آمده است و بحث از اولویت داشتن و سزاوار بودن آن‌ها باید به شکل جدی پیگیری شود. این‌همه در حالی است که به این مسائل کمتر اهتمام شده و جای سخن گفتن در آن‌ها بسیار است. در متن پیش روی تلاش‌هایی اندک در این وادی صورت گرفته است که ان‌شاءالله بتواند کمکی هرچند کوچک در راستای حل مسائل مذکور داشته باشد تا چرخ‌دنده‌های اقتصادی بتواند گره‌گشایی شایان‌توجهی از جامعه دینی کند و فعالیت دینی روحانیون را در جایگاه شایسته و بایسته خود بنشانند.



## راه‌حل‌های اصلاح و درمان

### ❖ الف) اصول لازم

نظام اقتصادی سازمان روحانیت بخش‌های مختلف تأمین و توزیع را در بر می‌گیرد؛ اما پیش از پرداختن به لایه‌های مختلف این سازمان، ضوابطی کلی و مبنایی وجود دارد که باید در کانون بررسی قرار گیرند.

### ۱. لزوم اصلاح و بازنگری

نخستین گام در مواجهه با یک مشکل، پذیرش وضعیت غیرمطلوب و درک ضرورت تلاش برای اصلاح آن است. از همین رو بدترین و خطرناک‌ترین بیماری‌ها، بیماری‌هایی است که همراه با درد نباشند، چراکه درد، سبب فهم بیماری و عاملی برای اقدام درمانی است و بدون آن بیماری‌هایی چون سرطان آن قدر پیشرفت می‌کنند که فرصت درمان برای بیمار باقی نمی‌ماند. اگر بزرگان حوزه و مسئولان آن قبول نداشته باشند که نظام اقتصادی حوزه علمیه و سازمان روحانیت دچار مشکلات جدی است، این بیماری می‌تواند



آن قدر رشد کند که تبعات آن بسیار سنگین شود و مشکلاتی بزرگ بر سر راه ادامه حیات سازمان روحانیت ایجاد کند.

رها کردن اقدامات لازم با حواله دادن به امور غیبی به اسم توکل، یا دل خوش کردن به استمرار سنت‌های سابق بدون توجه به تغییرات و شرایط زمانه، از گره‌هایی است که بر سر راه تدبیر و عقلانیت، مانع ایجاد کند به عمق مشکلات می‌افزاید. حال آن که مطابق آموزه‌های اسلام که دینی معقول است، نگاه به غیب هرگز نافی لزوم تلاش بشری نیست و مکتبی که انسان را «خليفة الله» می‌شمارد و عقل را از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی می‌داند، با این‌گونه مسامحه‌کاری‌ها موافق نخواهد بود. البته این اجمال را می‌توان به تفصیل رساند و وجوه مختلف اهمیت مسئله اقتصاد در سازمان روحانیت، را جزئی‌تر مشاهده نمود که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

### □ ۱-۱. درک اهمیت فوق‌العاده نظام اقتصادی

اگرچه اصالت انسان به عنصر غیرمادی اوست، اما کالبدی که روح بدان احتیاج دارد، نباید هرگز از محاسبات و معادلات کنار گذاشته شود. در انسان ترکیب بین ماده و مجرد، در تمام شئون اثرگذار است تا آنجا که بالاترین درجه تواضع، در حالت فیزیکی سجده تجلی می‌یابد و لزوم سلوک معنوی، سفر فیزیکی حج را لازم می‌کند. این بدن مادی به مثابه مرکبی برای روح، احتیاجاتی دارد که هرگز نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. این ضرورت وقتی به سطح اجتماع برسد، اهمیت مضاعف می‌یابد، چراکه با عبور از لایه فردی، با انگیزه‌ها و توانایی‌ها متفاوت و گوناگون مواجه هستیم. از همین رو اگرچه می‌توان در لایه فردی مجرد دائمی یک شخص را عادی دانست، اما در سطح اجتماع هرگز نمی‌توان نسخه ریاضت را جایگزین ازدواج کرد.

با این مقدمات درمی‌یابیم زمانی که احتیاجات مادی، افراد کم‌توان‌تر را زمین‌گیر می‌کند و در افراد سست‌تر انگیزه‌ها را بالا و پایین می‌کند، چرخه اقتصادی یکی از ارکان اساسی و محوری سازمان روحانیت می‌شود و نیاز به امکانات برای فعالیت و وابستگی افراد غیراصلی به افراد اصلی سازمان این اهمیت را مضاعف می‌کند. از همین‌رو بزرگان حوزه هم، بر نقش حیاتی و کلیدی مسائل مالی در سازمان روحانیت تأکید می‌کنند.

اگر به این مسئله مهم توجه نشود و مشکلات آن برطرف نگردد، آسیب‌های بزرگی به سازمان روحانیت وارد می‌آید که نخستین آن‌ها، از دست رفتن نیروهای انسانی یا تحلیل رفتن توان نیروی انسانی سازمان است. فردی که نتواند احتیاجات مادی خود را تأمین کند، یا ناگزیر می‌گردد از سازمان جدا شده و راه دیگری برای ادامه حیات خود بیابد یا آنکه توان و همت او بیهوده تحلیل می‌رود و صرف امور غیراصلی می‌شود.

## □ ۲-۱. مشکلات ریشه‌دار و باقی‌مانده

روحانیت، سازمانی تازه‌تأسیس نیست که در آغاز راه نیاز به تدبیر و برنامه‌ریزی برای چرخه اقتصادی باشد. قطعاً این سازمان با پیشینه تاریخی گسترده خود، مکانیزم‌هایی در این عرصه داشته و از آن‌ها بهره‌برداری نموده و می‌نماید؛ اما متأسفانه در طول زمان به این مکانیزم‌ها چندان اهتمام نشده است تا بهینه‌سازی شوند و کارآمدی آن‌ها ارتقا یابد. از مشکل‌های اساسی که در این عرصه وجود دارد، نظام توزیع منابع مالی و نوع بهره‌مندی از آن است که خود سرمنشأ آسیب‌های بسیاری در نظام تعلیمی، تبلیغی، نظام تعلیمی و روحانیت شیعه است.

امروز طلبه‌ها با مشکلات معیشتی بسیاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند که

نیازمند تدبیر عاجل است. البته هیچ کس نافی زحمات انجام شده و تلاش های بزرگان برای اصلاح وضعیت موجود نیست و می توان گفت اکنون نسبت به برخی برهه ها بهتر شده است، اما قطعاً اقدامات صورت گرفته کافی نیست.

### □ ۳-۱. تحولات عصر حاضر و پیروزی انقلاب

تحولات جهانی قرن اخیر و پیروزی انقلاب اسلامی از جهات مختلف، لزوم بازسازی و بهسازی نظام اقتصادی سازمان روحانیت را امری مؤکد می سازد. عدم درک صحیح تحولات رخ داده، عدم برنامه ریزی و اقدام مناسب برای مواجهه با تحولات پیش آمده و غفلت از ایجاد تحول مقتضی در درون سازمان، سبب افول و خسارت می شود و سازمان روحانیت را از اهداف و اغراض عالیّه خود باز خواهد داشت.

امروزه امکان بهره گیری از تکنولوژی ها و امکانات ایجاد شده و گسترش تبلیغ دینی را سهل کرده است و عدم اقدام مناسب برای آن، عذر موجهی نخواهد داشت؛ خاصه با ادعاهای جهان شمول دین اسلام که عدم حضور مناسب روحانیت شیعه در بسیاری از مناطق، زمین بازی را در اختیار فرقه های منحطی چون وهابیت قرار داده است؛ وارد شدن در این فضا نیز اقتضائات مالی خاصی به همراه دارد؛ مثلاً تأسیس یک شبکه ماهواره ای، به راه انداختن سایت های منبع و چندزبانه و مانند این ها سابقه ای در سنت های پیشین ندارد که با ابتدا بر آن بتوان در بخش مالی بستر لازم را فراهم آورد.

همچنین این مسیر تبلیغی در دهکده جهانی، رابطه ای یک سویه نیست و همان گونه که می توان فرهنگ تشیع را در نقاط دیگر بسط داد، دیگران نیز تلاش می کنند فرهنگ خود را به جامعه شیعی بقبولانند. از این رو نظام تبلیغ سنتی دچار اختلال در کارآمدی شده و بهسازی آن باید همراه با تدابیر جدید

باشد؛ از جمله آن که چرخه اقتصادی سازمان روحانیت بهینه شود. امروز نمی‌توان مقابله با صدها کتاب ضاله، هزاران سایت اینترنتی، انواع فیلم و سریال ضد دینی را با همان شیوه‌های سنتی ادامه داد که طلبه‌ای قانع و کم‌توقع در گوشه اتاقی نمود، شب و روز خود را وقف پاسخ دادن به مطالب ضاله و نوشتن کتاب بنماید. تشکیلات و امکانات بسیاری برای مقابله با این تهاجم همه‌جانبه لازم است؛ وگرنه جهاد در این عرصه به مثابه جنگ با شمشیر در مقابل سلاح‌های پیشرفته است که شکست در آن از آغاز روشن است.

پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل کشوری با محوریت ولایت فقیه، راه را برای موفقیت در این جنگ تمام عیار، هموار کرده است؛ به شرط آن که همین تغییر نیز درست درک شود و متناسب با آن برنامه‌ریزی‌های لازم انجام گیرد، و در غیر این صورت، این تغییرات نیز بر خسران و ناکارآمدی خواهند افزود. ضعف تدابیر به کار رفته در موقعیت جدید، امروزه در وجوه مختلف خود را نشان می‌دهد.

پیروزی انقلاب، توجه به دین و تشیع را افزایش داد که در پی آن سیل مشتاقان تحصیل در حوزه‌های علمیه روانه حوزه گردید و رشد کمی طلاب به حد بی‌سابقه‌ای رسید. در حالی که امکان پذیرش بسیاری از مشتاقان خارجی و داخلی مهیا نشده، مقدار طلاب پذیرفته شده و مشغول به تحصیل، نسبت به گذشته‌ای نه‌چندان دور، صدها برابر شده است و این وضعیت، استفاده از شیوه‌های سنتی را ناکارآمد و در مواردی مضحک کرده است! اگر روزگاری یک نفر با مراجعه به حجره طلاب، شهریه آن‌ها را تقدیم می‌کرد و هیچ‌کس نیز مشکلی با آن نداشت، امروز وضعیت صف‌های شهریه، امری خجالت‌بار و شرم‌آور است که مستمسک تبلیغات دشمنان علیه شیعه شده

است، چنان که می‌گویند: «شیعه با این وضعیت ادعای حکومت جهانی دارد!» این همه در حالی است که در مقایسه با کشورهای اطراف و نیازهای بالفعل، هنوز با رشد مطلوب جمعیتی طلاب، فاصله شایان توجهی وجود دارد.

همچنین با توجه به این که منابع مالی سابق توانایی تأمین همه نیازها را ندارد، منابعی جدید در حال اضافه شدن هستند؛ بدون آن که تدابیر کامل و برنامه‌ای جامع، اتخاذ شده باشد. ورود هزاران میلیارد ریال بودجه دولتی به درون حوزه‌ها، به سد شعار استقلال حوزه برخورد کرد و مسیر خود را به سمت ساختمان‌سازی کج نمود، درحالی که مشکلات معیشتی طلاب به صورت جدی باقی‌مانده، ساختمان‌سازی‌ها اسباب نارضایتی مردم و طلاب را فراهم نموده است و بروکراسی در حال توسعه، خود چالشی بر سر راه سازمان روحانیت شده است، چنان که پیش‌بینی‌ها تشدید آن را در آینده نشان می‌دهند.

تشکیل حکومت دینی و ایجاد مشاغل جدید برای روحانیت، سبب تنوع و گوناگونی انگیزه‌های افراد برای حضور در حوزه‌های علمیه شده است که با توجه به آن، امکان هرز رفتن منابع مالی سازمان بیشتر از سابق شده است. پس باید تدابیری جدی برای اختصاص بهینه منابع مالی به اهداف اصلی سازمان روحانیت و تربیت نیروی انسانی اندیشیده شود.

ورود انگیزه‌های جدید، بیش از آن که در بخش توزیع مشکل‌آفرینی کند، در قسمت تأمین منابع مشکل می‌آفریند. مفسدان داخلی و خارجی با انگیزه‌های منفعت‌جویانه و سلطه‌خواهانه، منابعی در بین بخشی از روحانیون وارد کرده‌اند که مرجع‌سازی با پول‌های آلوده اصلاً دور از انتظار نیست؛ از این رو می‌توان گفت که تشیع انگلیسی و آمریکایی معضلی بزرگ بر سر راه حیات تشیع اصیل شده است.



## ۲. حفظ اصول اخلاقی روحانیت

ملتزم بودن به حد تعادل، دشوار است و فروافتادن در افراط و تفریط بسیار بیشتر از اعتدال به چشم می‌خورد. آنچه در اصل اول منظور بود، جلوگیری از تفریط بود که نمی‌توان بی‌توجه از کنار مسائل اقتصادی و نظام معیشت روحانیون گذشت، اما این بدان معنا نیست که در مسیر افراط گام نهاده شود و نظام اقتصادی و معیشت روحانیت مثل سازمان‌ها و افراد دیگر در نظر گرفته شود. شاید تاکنون رویه غالب در نظام مالی حوزه‌های علمیه، روند تفریطی بوده است؛ از همین رو باید مراقب بود تا تحولات جدید و تصمیم‌های تازه به افراط منجر نشود.

روحانی شیعه، مبلغ دینی است که از منظر او دنیا به اندازه بال مگسی ارزش ندارد؛ از این رو اهتمام مؤمنان باید به عالم آخرت باشد و از اختصاص یافتن هم و غم خود به دنیا پرهیز داشته باشند. اگر روحانیون که رهبران این مکتب هستند، نتوانند به درستی به این اخلاق پایبند باشند، توقع پایبندی از دیگران غیرمعمول خواهد بود.

بزرگان حوزه علی‌رغم اهتمام برای کمک به وضعیت معیشتی طلاب، اگر در جایی متوجه راه‌یافتن خوی اشرافی‌گری در یک طلبه شوند، شدیداً موضع‌گیری می‌کنند. در واقع کسی که در مسیر طلبگی گام نهاده است، دلخوش از امور معنوی است که او را به مادیات بی‌رغبت می‌کند. گنج بزرگی که یک روحانی بدان تکیه کرده و با آن عزت خود را تأمین می‌نماید و چالش‌های مسیر را هموار می‌نماید، چیزی جز قناعت نیست. لزوم قناعت و ساده زیستی در مکان و زمانی که عده شایان توجهی از مردم مشکلات معیشتی جدی دارند، صدچندان می‌شود، چراکه یک روحانی افزون بر وظیفه مواسات با برادران دینی خود، به نوعی نقش رهبری نیز بر دوش دارد، چنان‌که در منطق

اسلام بر رهبران لازم است هم سطح افراد ضعیف زندگی کنند. همچنین باید مراقب بود که نمی‌توان همه کاستی‌ها را به ضعف معیشتی ربط داد. برخی نقص‌ها و اشکال‌ها مرهون سست شدن انگیزه‌ها و تنبلی‌های شخصی است که باید با بالا بردن همت‌ها و درک شرایط خطیر به اصلاح آن‌ها مشغول شد.

### ۳. تمایز بین وظیفه مسئولان و مردم با طلاب

یکی از عوامل بسیار مؤثر در حفظ تعادل معیشت، تفکیک وظیفه مسئولان از وظیفه طلاب است. طلاب باید عزم خود را جزم کنند و اجازه ندهند که چیزی مانع انجام رسالتشان شود. مسیری که یک طلبه برای خود برگزیده است و ادعایی که دارد، باید با اقتدا به انبیا و اولیای الهی باشد. رسولان الهی نه تنها هیچ توقع مالی و مادی نداشته‌اند، بلکه برای ادای رسالت خود از هیچ نوع فداکاری و ایثار دریغ نکرده‌اند. زندان‌ها، شکنجه‌ها و تهمت‌ها هرگز انبیا و پیروان راهشان را از ادامه مسیر منصرف نکرده است؛ بنابراین طلبه‌ای که به دلیل مواجهه با مشکلات معیشتی در ادای وظایف خود ناتوان می‌شود، پیش از آن که بخواهد مشکل معیشتی را عامل بداند، باید متوجه خلل در همت و انگیزه خود شود و بداند که تا قله عزم و اراده، فاصله دارد.

از سوی دیگر مسئولان و بزرگان حوزه، خصوصا مسئولانی که متصدی امور مالی و اقتصادی حوزه هستند، هرگز نباید قصورها و ناتوانی‌های خود را پشت شعار زهد و قناعت مخفی کنند و به جای پاسخ مناسب به طلاب، در مقابل خواسته‌های به حق، آنان را به زهد و قناعت حواله دهند. (مگر از جانب کسانی که در موضع مناسب مشغول تعلیم اخلاق هستند.)

مردم نیز باید توجه کنند که در زندگی اجتماعی، تقسیم کار از ضروریات

است. هر مؤمنی باید برای شناخت دین خود تلاش کند و در صیانت و دفاع از آن بکوشد. اگر این وظیفه به صورت تخصصی‌تر بر دوش عده‌ای خاص قرار گرفته است، باید نیازهای مادی آن عده را تأمین کرد تا بتوانند با قوت و قدرت بیشتر وقت خود را در این کار صرف کنند. اگر وظیفه تعلیم رسمی فرزندان بر عهده معلمان گذاشته شده و معیشت معلمان از بودجه حکومتی در ضمن تکریم و احترام تأمین می‌شود، با همین قاعده، معیشت روحانیون نیز به عهده مؤمنان نهاده شده و شأن آن‌ها که به امور معنوی می‌پردازند نیز بالاست و باید نسبت به حفظ کرامت و عزت روحانیون، اهتمامی جدی داشت.

#### ۴. طراحی مدل دینی برای اداره سازمان اقتصادی روحانیت

آنچه در سه اصل پیشین گفته شد، همگی معطوف به تعادل بخشی بود، اما این تعادل بخشی را نباید در سطح ذهنیت‌ها و رفتارهای فردی منحصر کرد، بلکه باید مکانیزم‌ها و مدل‌ها را با همین تعادل سامان داد. در مواجهه با انسان مختار و باکرامت، اصل و اساس، توجه و اتکا به تربیت مناسب و شکوفایی اخلاق نهادینه‌شده در وجود اوست، اما هیچ‌گاه نمی‌توان خطر وجود افراد تربیت‌نشده، زیاده‌طلب و متجاوز را نادیده گرفت. این افراط و تفریط امروز در سطح کلان حکومت‌ها نیز مشاهده می‌شود.

در کشورهای غربی و توسعه‌یافته، مکانیزم‌های نظارتی و کنترلی آن‌چنان گسترده شده است که مجال اخلاق و حق انتخاب را تنگ کرده است؛ بدین‌سان اگر مکانیزم‌های نظارتی اندکی دچار خلل شوند یا نقص داشته باشند، با وضعیت کاملاً متفاوتی مواجه می‌شوند؛ مثل آن‌که قطع یک ساعته برق، موج گسترده‌ای از دزدی‌ها را پدید می‌آورد.

در این‌سو نیز جامعه ایران که بیشتر متکی بر نظارت‌های درونی و الهی

سامان داده شده، با حجم گسترده‌ای از فسادها روبه‌رو شده است و بی‌شک بخشی از توجه بیشتر به مکانیزم نظارت درونی جامعه ایران متأثر از حوزه‌های علمیه بوده است. در حوزه‌ها و در بین روحانیون، انگیزه‌های الهی چنان رونق دارد که عمده نظام اقتصادی حوزه به نظارت درونی افراد واگذار شده است. در تأمین منابع مالی، افرادی که خودشان مایلند، وجوهات را می‌پردازند. وکلای دریافت وجوهات، مورد اعتمادند و حساب و کتاب کاملی برای نظارت بر آنها وجود ندارد و حتی در پرداخت شهریه و توزیع مالی نیز، عموماً تقسیم‌کنندگان به نوشته‌ای نصب‌شده برای عملیاتی شدن شرط‌هایشان بسنده می‌کنند.

با این حال اگر دو خبر ناگوار به گوش برسد، آیا عذری برای نبود طراحی مکانیزم‌های کنترلی و نظارتی دقیق وجود خواهد داشت؟ اگر یک متصدی وجوهات در دفتر یکی از مراجع مرتکب جرم شود، آیا عذری مقبول در درگاه الهی برای نبود نظارت کامل وجود دارد؟ آیا بدون نظارت معقول بشری می‌توان مانع تخریب اعتماد مؤمنان به سازوکارهای مالی حوزه علمیه شد؟

این در حالی است که اغراض و منفعت‌ها در اداره امور مشهود است، تا آنجا که برخی حسن تکثر و تنوع دفاتر مراجع در اداره امور مالی را به همین مسائل مرتبط می‌کنند. از منظر اسلامی نیز قرار نیست عوامل معنوی جایگزین عوامل مادی شوند؛ آن هم در حالی که حتی در عوامل مادی نیز امور آنچنان منضبط است که یک عامل معنوی نمی‌تواند جایگزین عامل معنوی دیگر شود.

## ۵. لزوم ایجاد شفافیت

در کنار ضرورت جدی دانستن توجه به نظام اقتصادی سازمان روحانیت، عواملی ایجاد شده است که اقتضا می‌کند در سازمان مالی روحانیت

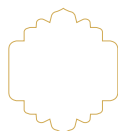
شفافسازی شود. امروز مردم در رسانه یا در برخی سازمان‌های دولتی با روحانیونی مواجه هستند که درصد بسیار اندکی از قشر روحانی را شامل می‌شوند، اما ذهنیت مردم از این قشر را شکل می‌دهند. این طیف به دلیل شغل و منصبی که در اختیار دارند، ممکن است وضع مالی خوبی داشته باشند و حتی به تجمل‌گرایی مبتلا شده باشند. حال آن‌که بیشتر طلاب در وضعیت معیشتی نامطلوبی زندگی می‌کنند و افزون بر رنج و مرارت مضیقه‌های مالی، باید زخم‌زبان مربوط به عملکرد آن عده محدود را هم تحمل کنند. در حالی که بیان حقیقت زندگی طلاب (به شکل جمعی و الا بیان فقر به شکل فردی سبب ذلت است)، سند افتخاری برای آنان خواهد بود.

امروزه با ایجاد سازمان‌هایی چون سازمان تبلیغات و سازمان رسیدگی به امور مساجد و مانند آن، مردم تصور می‌کنند که معیشت روحانیون و مبلغان از طریق این سازمان‌ها تأمین می‌گردد؛ از این‌رو احساس مسئولیت سابق آن‌ها رنگ باخته است و در نتیجه از نقشی که در پیشینه تاریخی جامعه شیعه در تأمین معیشت روحانیون بر عهده مؤمنان بود، غفلت می‌شود، در حالی که این سازمان‌ها نیز چنین وظیفه‌ای برای خود قائل نیستند.

امروز فضای سیاسی و برخی شیطنت‌های سیاست‌بازان این ذهنیت را ایجاد کرده است که بودجه‌های کلان حکومتی در اختیار طلاب قرار می‌گیرد و نوعی از ویژه‌خواری برای طلاب را به تصویر می‌کشند، حال آن‌که بزرگان حوزه اصرار دارند، غیر از وجوهات شرعی، راه دیگری برای تأمین معیشت طلاب در کار نباشد.

این همه در حالی است که در فضای رسانه‌ای جدید نیز هیچ چیزی مکتوم نخواهد ماند! زمانی که یک طلبه برای متفاوت بودن و کسب منزلت اجتماعی، به شیوه‌های غیرمعارف روی می‌آورد و عکس‌های تابلوی اعلانات

مدرسه فیضیه را در صفحات اینترنت منتشر می‌کند یا برخی افراد مغرض تلاش می‌کنند تصاویر خاصی از روحانیت در جامعه ایجاد کنند، خبررسانی صحیح و به موقع، بسیار معقول‌تر از چشم بستن و سکوت کردن است، چراکه در صورت رها کردن خبررسانی، کار در اختیار دیگران قرار داده شده است تا حقیقت را به هر شکلی که دوست دارند، منعکس کنند. با نظر به این آسیب، این شفافیت افزون بر سلب اتهامات، زمینه‌ساز جلب مشارکت بیشتر مردم و خیرین نیز خواهد بود. بسیاری از مردم در داخل و خارج کشور، مایل هستند از اموال خویش برای رونق دین و فرهنگ تشیع هزینه کنند، اما اولویت‌ها را نمی‌شناسند و از مصارف بی‌خبرند، حال آن‌که اگر بدانند، می‌توانند با اموال خود اقدامات پرثمری انجام دهند و در این کار لحظه‌ای درنگ نخواهند کرد.



## ❁ (ب) نظام تأمین منابع مالی

بخشی از چرخه نظام اقتصادی سازمان روحانیت، بخش تأمین منابع مالی است. در این بخش افزون بر شناخت انواع منابع موجود و ممکن برای تأمین مالی، مباحث دیگری نیز باید مد نظر قرار گیرد. از جمله لزوم برنامه‌ریزی و اقدام برای تأمین منابع مالی، ضوابط و شروط حاکم بر منابع مالی حوزه، میزان احتیاجات مالی حوزه‌های علمیه، بحث کارآفرینی و اشتغال روحانیت و ... که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

### ۱. لزوم برنامه‌ریزی برای تأمین منابع مالی

همان‌گونه که در بخش‌های پیشین مکرر تأکید گردید، نگاه معنوی و توجه به عوامل غیر مادی نباید، جایگزین برنامه‌ریزی و استفاده از عوامل مادی باشد. در دین مبین اسلام نیز هرگز عوامل معنوی، منفی استفاده از عوامل مادی و لزوم به کارگیری آن نبوده است؛ همچنان‌که ائمه علیهم‌السلام نیز برای درمان از طبیب و دارو استفاده می‌کردند. از این رو کلام برخی از بزرگان که



به معنای تکیه به عوامل معنوی برای تأمین مالی است را باید تنها بیان برخی از واقعیت بدانیم، وگرنه چاره‌ای از نفی آن نخواهیم داشت.

سیره حوزه نیز منطبق با همین اصل است. حوزه در گذشته با کوشش و تلاش تبلیغی روحانیون، توانسته از خمس برای ساماندهی امور خود استفاده کند و همان‌گونه که در فصول سابق تبیین شد، حتی در دوره صفویه نیز خمس جایگاه چندانی در تأمین منابع مالی حوزه نداشته است و برخی بزرگان سابقه استفاده از خمس به این شکل را صد سال خوانده اند. بنابراین غفلت از ضرورت اقدام و دور ماندن از تلاش برای تقویت منابع مالی، به مثابه نشستن بر سر سفره مهیاشده‌ای از گذشتگان است که دیر یا زود به انتها خواهد رسید.

## ۲. لزوم تبیین و شفاف‌سازی ضوابط حاکم بر منابع مالی سازمان

### روحانیت

سازمان روحانیت با نگاه معنوی خویش، حاضر نیست از هر نوع منبع مالی استفاده کند، چراکه هدف را توجیه‌گر هر وسیله‌ای نمی‌داند؛ اما به نظر می‌رسد ضوابط لازم برای نظام مالی، نیاز به تبیین بیشتری دارد و باید ضوابط کلی را متناسب با شرایط روز، به صورت جزئی‌تر و دقیق‌تر تبیین کرد که در چند محور استقلال حوزه، منابع مالی شبه‌ناک و وابستگی به مردم نکاتی لازم است که برای تبیین آن‌ها تلاش خواهیم کرد.

### □ ۱-۲. استقلال حوزه

استقلال حوزه علمیه شیعه یکی از مفاخر آن بوده که همواره بزرگان بر آن تأکید کرده‌اند، چراکه تحولات و شرایط زمانه، توجه به آن را در هر دوره‌ای لازم و ضروری می‌گرداند تا اطمینان از تحقق آن را حاصل و مقابله با عناصر آسیب‌رسان



به آن را به سامان دهد. استقلال حوزه را باید در چند سطح مختلف بررسی کرد. دست کم می‌توان آن را در سه سطح استقلال سیاسی، استقلال مالی و استقلال برنامه‌ریزی و محتوایی تبیین نمود. حفظ استقلال مالی در دوره‌های مختلف تاریخی با زحماتی که داشته است، توسط بزرگان حوزه حفظ شده است.

اهمیت مسائل مالی از جنبه قدرتی که به دنبال آورده و تأثیراتی که رقم می‌زند، همواره برای تأمین استقلال لازم، باید مد نظر باشد. اگرچه حریت، شهامت، توسل و نگاه الهی می‌تواند مانع تأثیرگذاری هر نوع نیاز مادی شود، اما نمی‌توان رویه‌های لازم برای یک نهاد را صرفاً با استناد به اخلاق شخصی تضمین کرد و باید سازوکارهایی تعبیه نمود تا در صورت ضعف اخلاق شخصی، اصول و منافع یک ساختار حفظ شود. در طول تاریخ اتکا به وجوهات شرعی و اوقاف توانسته حوزه شیعی را از این لحاظ تقویت کند و به نوعی ضامن حفظ استقلال حوزه باشد. اما همین منابع نیز در مقاطعی استقلال حوزه را تحت تأثیر قرار داده‌اند، چنان‌که می‌توان نمونه‌های آن را برشمرد؛ از تأثیراتی که در مقطعی توسط بازاریان به عنوان عمده پرداخت‌کنندگان وجوهات ایجاد شد و در مسیر تحول آموزشی حوزه سنگ‌اندازی کردند تا امکان شروط خاص توسط واقفان که می‌تواند سبب تأثیر انگیزه و اغراض خاص آن‌ها شود، یا سلیقه‌های عوامانه او را بر علما تحمیل کند.

بنابراین اتکا به وجوهات و اوقاف، به دلیل مزیت نسبی آن‌ها نسبت به کمک دولت‌ها و اهالی قدرت بوده است، نه آن‌که در آن هیچ ضعف و خللی دیده نشود. افزون بر این باید بر روی این نکته تمرکز بیشتری کرد که تحقق این اصل در تمام طول تاریخ نسخه یکسانی ندارد و نمی‌توان شرایط تشکیل حکومت اسلامی، با شرایط پیش از آن را کاملاً یکسان در نظر گرفت و با رد کردن هرگونه کمک مالی حکومت، در پی تحقق اصل استقلال بود.

همین تفاوت سبب شده است که اموال حکومتی تا حدودی وارد حوزه‌های علمیه شود و روند روبه‌رشدی داشته باشند، چنان‌که در سالیان اخیر به ارقام هزارمیلیاردی رسیده است. راه میانه‌ای که بین دیروز و امروز برگزیده شده است، تفکیک بین مجاری استفاده از این اموال بوده است؛ بدین‌سان که با تفکیک معیشت طلاب و نیازهای ساختاری حوزه (اموری نظیر ساختمان‌سازی)، سعی شده است استقلال حوزه‌های علمیه در بعد مالی تأمین شود.

اما بدون تعارف، روشن است که این تفکیک، کارآمدی لازم برای صیانت از استقلال را ندارد، چراکه قدرت مالی در هر بخش می‌تواند تأثیرگذار باشد و استقلال حوزه‌ها را تهدید کند. اگر جریانی قدرتمند شود و بودجه‌های مالی را به بخش‌هایی خاص سوق دهد، می‌تواند تفکر هم‌سو با خود را تقویت کند و چه‌بسا یک اندیشه را از اقلیت به اکثریت تبدیل کند و در آن هنگام کنار کشیدن بخش‌های دیگر از دریافت‌های مالی، بیش از آن‌که به استقلال آنان مرتبط باشد، به انزوای آنان و افولشان مرتبط خواهد بود. افزون بر این تفکیک بین معیشت طلاب با ساختارهای حوزوی، در مواردی رنگ باخته است؛ مثل سرانه‌هایی که به همه نهادهای آموزشی اختصاص داده می‌شود و حوزه‌های علمیه نیز از آن استثنا نشده‌اند. (از تأمین نیاز غذایی مدارس تا بن کتاب و...) همچنین برخی امور ساختاری نیز با معیشت طلاب پیوند عمیق دارد؛ مانند تأمین مالی نهادهای اعزام‌کننده مبلغ و مانند آن‌که بودجه‌ها را به شکل غیرمستقیم در اختیار روحانیون قرار می‌دهند.

با این حرکت کج‌دار و مریز، معیشت طلاب نیز در موضعی جدی گرفتار باقی مانده است و همان‌گونه که اشاره شد، این امر نقش مؤثری در سلب تمحض پژوهشی و تحصیلی طلاب داشته است و دست حکومت را از

دستیابی به نظریه‌ها و مبانی موردنیاز خود کوتاه‌تر کرده است؛ از همین رو برخی دولت‌ها اصرار دارند که منابع مالی را به حوزه‌های علمیه وارد کنند. پس باید در این عرصه بازنگری جدی کرد. اگرچه پیوند عمیق مردم و روحانیت همچنان می‌تواند بستر اصلی تأمین نیازهای معیشتی مبلغان باشد، اما در بخش‌های آموزشی و پژوهشی می‌توان از تجربیات روز دنیا مانند بورسیه کردن و تأمین نیازهای مالی اندیشکده‌ها علی‌رغم حفظ استقلال آن‌ها استفاده کرد و خود را منحصر در مسیر تقویت وقف و وجوهات نگاه نداشت. امروز در کشورهای مسیحی، بخشی از مالیات‌ها، مستقیم در اختیار کلیسا قرار می‌گیرد و مکانیزم‌های تثبیت‌شده، مانع از اعمال فشار حکومت‌ها بر کلیسا با استفاده از اهرم مالی شده است.

## □ ۲-۲. تحریم منابع مشکوک

امروز راه‌یافتن پول‌های شبهه‌ناک و چه بسا حرام مسلم، در بین طیف محدودی از حوزویان امری روشن است. قطعاً سیاستمدارانی چون انگلیس می‌دانند که برای تأثیرگذاری در جوامع دینی، باید در مراکز دینی نفوذ کنند. تاریخ، مکاری‌های آن‌ها را در برخی مقاطع ثبت نموده است. با توجه به این‌که شهریه دادن، به شکل غالب علامت دریافت وجوهات و در نتیجه داشتن مقلد است، هیچ بعید نیست که انگلیسی‌ها و برخی شیاطین بخواهند با اموالشان مرجع‌سازی کنند و پول انگلیسی‌ها در قالب شهریه توزیع شود؛ همچنان‌که برخی مفسدان اقتصادی داخلی نیز برای کسب اعتبار و وجهه نیک، مبالغی را در اختیار برخی حوزویان قرار می‌دهند که نمونه‌هایی از آن علنی شده است.

طبیعتاً علمای مذهب و متقی تکلیف خود را به خوبی می‌دانند و از دریافت

این گونه مبالغ پرهیز می کنند، اما در بین طلاب، نوع مواجهه با این امر به خوبی روشن نیست. برخی از طلاب معتقدند این گونه اموال را باید گرفت تا از دست فلان شخص فاسد خارج شود و عنایت دارند تا این پول ها را برای خوراک و امور عبادی خود استفاده نکنند و به دلیل شبهه ناک بودن، در مصارفی چون کرایه ماشین به کار گیرند، اما برخی از طلاب بر این باورند که دریافت این پول ها نیز وجاهت بخشی و به رسمیت شناختن آن شخص فاسد است؛ از این رو یکی از مسائلی که باید با وحدت رویه به سامان برسد، همین مسئله است. چه بسا تحریم همگانی و فراگیر طلاب نسبت به این اشخاص، بهترین راه ناکام کردن دشمنان دین و ملت باشد.

### □ ۲-۳. وابستگی معیشت روحانیون به مردم

سال ها پس از پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی منطبق بر فقه شیعه، برخی بزرگان تأکید می کنند که معیشت روحانیون باید وابسته به مردم باشد. اما برخی دیگر از بزرگان حوزه، با بیان معایب این وابستگی به آن مخالفت کرده اند. قطعاً هر دو طیف، واقعیت هایی را ملاحظه کرده اند و با توجه به آنچه مصلحت تشخیص داده اند، موضع خود را اتخاذ کرده اند؛ بنابراین برای رسیدن به شفافیت بیشتر لازم است محاسن و معایب وابستگی معیشت روحانیون به مردم ذکر شود و سپس با بررسی همه ابعاد، تصمیمی همه جانبه و شفاف تر به دست آید. محاسنی که برای لزوم وابستگی به مردم شمرده اند، از این قرار است:

۱. وابستگی به مردم بهترین راه حفظ استقلال مالی روحانیت شیعه است؛

۲. این وابستگی می تواند سبب برقراری پیوند عاطفی و مستحکم با

توده های مردم شود؛

۳. این نوع تأمین مالی با طیب خاطر و رضایت مندی صورت می‌گیرد و هیچ کس نمی‌تواند معترض به آن شود؛

۴. طلاب با درک خلوص تأمین‌کنندگان این منابع مالی، احساس وظیفه مضاعفی برای ادای رسالت خویش می‌یابند.

اما معایبی جدی نیز می‌توان برای این وابستگی برشمرد و همین معایب سبب مخالفت و موضع‌گیری برخی بزرگان در مقابل این شیوه تأمین مالی شده است:

۱. تغییر زیاد حجم منابع مالی و نوسانات آن و در نتیجه عدم امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای سازمان روحانیت؛

۲. مخدوش شدن عزت و احترام روحانیون در برخی مواقع و ایجاد نوعی رابطه استخدای علی‌ه روحانی‌ای که باید در جایگاه رهبری مردم قرار گیرد، به دلایلی مانند نیاز ضروری روحانی و ناچار شدن او به ابراز نیاز و امثالهم؛

۳. محافظه‌کار شدن برخی روحانیون در بیان مواضع دینی برای تأمین نیازهای مادی خود؛

۴. پررنگ شدن احساس اغراض منافع مالی و شخصی در بین مردم نسبت به مبلغان دینی؛

۵. حرمت ارتباط بین مزد و انجام وظایف و واجبات دینی مثل اقامه نماز و... و شبهه‌ناک شدن برخی دریافت‌ها.

نکته‌ای که در ملاحظه این معایب باید مد نظر قرار گیرد، عدم مطلق‌انگاری است. به بیان دیگر ممکن است در موضعی این راه تأمین مالی سبب مخدوش شدن عزت و کرامت روحانی یا سلب استقلال و حریت او شود، اما این در همه جا و در همه افراد نیست، بلکه برخی افراد با نهایت خضوع و تواضع، کمک‌های مالی خود را تقدیم می‌نمایند و برخی روحانیون بدون هیچ

ملاحظه‌ای نسبت به منافع مالی خود و با کمال حریت به خرافات رایج بین توده‌ها حمله می‌کنند.

اما نباید راه فرار از معایب این شیوه را سهل گرفت، خصوصاً که در پیشینه تاریخی شیعه، دامن بسیاری از بزرگان را هم گرفته است.

نسخه‌ای که شهید مطهری برای اصلاح وضعیت موجود ارائه می‌کند، سازمان دادن به منابع مالی و قطع ارتباط مستقیم است و به نظر می‌رسد، راه حل خوبی باشد، چراکه عمده معایب ذکر شده، متوجه اصل وابستگی روحانیت به پرداخت‌های مردمی نیست، بلکه به مدل و مکانیزم دریافت آن مرتبط است و پرداخت بی‌واسطه، برخی از این مفاسد را ایجاد کرده است. درک معایب رابطه مستقیم مالی بین عرضه‌کننده یک نیاز و تقاضا کننده آن، در بسیاری از سیستم‌ها این نوع تبادل را حذف کرده است و اگر در جایی این رابطه مستقیم باقی مانده است، مفاسد زیادی به وجود آمده است. امروزه کم شدن اعتماد مردم به پزشکان در کشور تا حدی مرهون همین عامل است و همین نوع مبادلات، دریافت‌های مالی پزشکان در ایران را در صدر جدول جهانی نشانده است و انواع فریبکاری‌ها، جراحی‌های غیر لازم را دامن زده است و مولتی‌میلیاردهای بسیاری را خلق کرده است.

البته سیستم حوزه‌های علمیه و سازمان روحانیت با سیستم‌های دیگر تفاوتی شگرف دارد. انگیزه‌های معنوی و الهی قوی و توجه به نظارت الهی، مفاسد را تا حدی زیادی می‌کاهد؛ از این رو نیاز به تغییر وضعیت در حوزه‌ها کمتر یا دیرتر احساس می‌شود و عده‌ای تصور می‌کنند همچنان باید به حرکت کج‌دار و مریز ادامه دهند. با این همه به نظر می‌رسد که زمان تغییر رسیده است، خاصه با توجه به امکاناتی که در عصر جدید ایجاد شده و تغییراتی که در سازمان روحانیت رخ داده است.

امروز حوزه‌ها به سمت تمرکز حداکثری رفته‌اند و سیستم آموزش و ارزیابی آن‌ها در بیشتر نقاط ایران یک‌دست شده است و این تمرکز در حال سرایت به بخش‌های دیگر از جمله بخش مالی نیز است. از سویی نیز امکان پرداخت اینترنتی، نیاز به وکلا و واسطه‌ها را حذف کرده و مردم با اطمینان کامل می‌توانند وجوهات شرعی خود را به دفتر مرکزی مرجع تقلید خود برسانند. اما نباید این راه حل را بهترین و کامل‌ترین راه حل تصور کرد و با سخن کسی که قصد بیرون آمدن از تحجرها را داشته گرفتار تحجر جدید شد. از نکاتی که برای جامعیت راه‌حل‌ها باید به آن توجه کرد، این است که تمام پرداخت‌های مردمی با عناوین واجب صورت نمی‌گیرد و تبرعات و خیرات بسیار دیگری نیز می‌توانند منابع مالی حوزه را تأمین کنند. اگر در پرداخت‌های واجب، بهترین شیوه، تمرکز و حذف واسطه‌ها باشد، چه‌بسا در پرداخت‌های مستحبی، تنوع و عدم تمرکز مفیدتر باشد. برخی از خیرین به دلیل علاقه و پیوند عاطفی با برخی از روحانیونی که به شکل مستقیم با آن‌ها ارتباط دارند، در تبرعات انگیزه قوی‌تری برای پرداخت مستقیم به آن‌ها پیدا می‌کنند یا مایل هستند مبلغ هدایی با نظارت و سلیقه آن شخص خاص استفاده شود. البته می‌توان با اطلاع‌رسانی از نحوه هزینه‌مبالغ هدایی، نشان دادن ثمرات وجوه هدایی و تبیین نیازهای مالی، رغبت خیرین به پرداخت‌های مستحبی را بیشتر کرد. با این حال در دنیایی که به شدت در حال تکثر است و گروه‌های مرجع جدید متولد می‌شوند، نمی‌توان به یک امر متمرکز بسنده کرد و سلايق را مد نظر قرار نداد.

### ۳. بررسی و شناخت اندازه نیازها

تأمین نیازهای مادی یک خانواده سه نفره، با تأمین امکانات لازم برای

یک اردوی صد نفره بسیار متفاوت است و به نسبت درک وسعت نیازها، تلاش برای تأمین آن‌ها و ضرورت برنامه‌ریزی و تدبیر افزایش می‌یابد. حوزه‌ای که دیروز با اجتماع چند طلبه به دور عالمی شکل می‌گرفت، نیاز چندانی به تلاش برای تأمین معاش نداشت. یک بازاری مؤمن می‌توانست به‌تنهایی تمام نیازهای این حوزه را تأمین کند؛ همچنان‌که حساب و کتاب دفتری و برنامه‌ریزی و... نیز امری زائد بود، اما حوزه‌ای که جمعیت آن به بیش از صد هزار طلبه بالغ شده است، نمی‌تواند بی‌حساب و کتاب رسالت خود را ادامه دهد. البته اقتضائات گسترده‌گی و افزایش نیازها خواه ناخواه خود را تحمیل می‌کند؛ هرچند در آغاز برخی لایه‌ها به حال خود رها شوند و نابسامانی آن‌ها دیرتر ادراک شود، اما هر چه اقتضائات دیرتر درک شود، خسارت‌ها نیز افزایش می‌یابد.

امروز حوزه علمیه متوجه شده است که نمی‌تواند همه داوطلبان را بپذیرد. اما این ادراک تمام لایه‌های نیازها را در بر نگرفته است و برخی بخش‌ها که بحران آن دیرتر احساس می‌شود، به حال خود رها شده‌اند. در حال حاضر فقط تعداد حجره و مدرسه، ملاک برنامه‌ریزی برای پذیرش طلاب قرار گرفته‌اند، حال آن‌که سال‌های طولانی تحصیل یک طلبه و لزوم پرداخت شهریه ماهیانه به او محاسبه بیشتری نیاز دارد. این در حالی است که حوزه، هنوز اقدام درخوری برای رسیدن به نقطه مطلوب با نگاه جهانی انجام نداده است و بیشتر توجهش را معطوف تربیت چند مجتهد کرده است که دست‌نیافتگان بدان نیز می‌توانند با تأسّف خوردن از نرسیدن به غایت، سرگرم اموری چون تبلیغ شوند! حال آن‌که شعار «دین جهانی»، اقتضائات گسترده‌ای دارد. با این تفاسیر:

□ اگر نگاهی به حجم تقاضاهای افراد غیر ایرانی برای تحصیل در حوزه علمیه قم شود؛



- اگر تفاوت شیوه‌های تبلیغی و روش‌ها و امکاناتی که امروز برای تبلیغ به کار می‌روند، مد نظر قرار گیرند؛
  - اگر ورود حوزه‌ها و طلاب به امور چون ارائه خدمات اجتماعی قبول گردند؛
  - اگر میزان نیازهای جامعه در امور تربیتی در تمام سطوح مد نظر قرار گیرد و ارتباط آن با مبلغان دینی تبیین گردد؛
  - اگر روحانیت بخواهد به نحو قابل قبولی، شئون سنتی خود (مثل مشاوره امور خانوادگی و ...) را همچنان به دوش گیرد؛
  - اگر حجم آتش تهاجم دشمن و شبهه افکنی‌ها و دین ستیزی‌هایش لحاظ شود؛
  - اگر نیازهای حکومت دینی برای تأمین تئوری‌ها و مدل‌ها و نظریه پردازی‌ها مد نظر باشد و...
- آن هنگام می‌توان حجم احتیاجات مالی و مادی را برآورد کرد و با توجه به وسعتش، برای تأمین آن اقدام نمود و برنامه‌ریزی و تدبیر را در تمام سطوح به حد لازم رساند.

#### ۴. راه‌های تأمین احتیاجات مالی

منابع قابل استفاده برای تأمین احتیاجات مادی حوزه‌ها و سازمان روحانیت، متنوع و متعدد است. در کنار لزوم شناسایی منابع جدیدتر و متنوع‌تر، شناخت خصیصه‌های هر کدام از این منابع و وضعیت فعلی آن نیز لازم است که در ادامه آن را بررسی خواهیم کرد:

#### □ ۴-۱. وجوهات شرعی

امروز اصلی‌ترین منبع تأمین معیشت طلاب و روحانیون، وجوهات شرعی

است و همه بزرگان حوزه تأکید می‌کنند که معیشت روحانیون از این راه تأمین شود و چیزی جز این نیز امروز مورد استفاده نیست. و منظور از این وجوهات شرعی عموماً خمس و سهم امام علیه السلام است، استفاده از وجوهات به این شکل و تمرکز آن نیز سابقه طولانی ندارد. درباره این منبع مالی به چند نکته باید توجه کرد:

۱. وجوهات شرعی منحصر در خمس و سهم امام نیست، بلکه وجوهی مانند زکات نیز مشمول این عنوان می‌شوند و اجتهاد در مصادیق زکات متناسب با جامعه امروزی نیز امر بسیار اثرگذاری در این منبع مالی است.

۲. زمانی که امام خمینی رحمته الله علیه بحث ولایت فقیه را در سال ۱۳۴۲ شمسی مطرح کردند، یکی از ادله اثبات لزوم حکومت دینی در بیان ایشان، گسترده بودن حجم وجوهات شرعی بود، حال آن که امروز و با توجه به گسترده شدن حوزه‌ها و... مسئولان حوزه دریافته‌اند که وجوهات به شکلی که امروز پرداخت می‌شود، نمی‌تواند تأمین‌کننده تمام نیازهای مالی حوزه‌ها و سازمان روحانیت باشد و این امر ضرورت توجه به اقتضائات زمان را دو چندان می‌کند و نشان می‌دهد ادامه اتکا به این منبع به شکل انحصاری و به همان سبک و سیاق گذشته نمی‌تواند دوام چندانی داشته باشد.

۳. دشمنان شیعه به‌خوبی دریافته‌اند که اصلی‌ترین منبع مالی حوزه‌ها خمس است و با ضربه زدن به آن می‌توان روحانیت شیعه را تضعیف کرد؛ از همین رو حجم گسترده‌ای از شبهات در مورد خمس به بیانات مختلف ایجاد کرده‌اند. با این حال حوزه علمیه حتی در سطح درس خارج نیز اهتمام جدی به این موضوع ندارد، همچنان که وضعیت پاسخگویی به شبهات در عرصه عمومی و تبلیغ خمس نیز وضعیت نامناسبتری دارد، حال آن که استمرار همان سنت سابق نیز مستلزم فعالیت جدید است.

۴. امکان تغییر در فتاوی مراجع در مسئله خمس وجود دارد. کما اینکه آیت‌الله سیستانی «به مقلدان ساکن در عراق فرموده‌اند لزومی ندارد وجوهات شرعی را به نمایندگان ایشان بدهند یا برای ایشان بفرستند، بلکه می‌توانند در هر کاری که خود مصلحت می‌دانند، خرج کنند و از جمله به فقرا مساعدت کنند.» بنابراین سازمان روحانیت باید بسته اقتصادی متنوعی برای تأمین منابع خود داشته باشد.

#### □ ۴-۲. اوقاف و تبرعات

بر خلاف رویه غالب امروز، در گذشته‌ای نه‌چندان دور، خمس منبع اصلی تأمین مالی حوزه‌های علمیه نبوده است، بلکه وقف و تبرعات به شکل گسترده‌ای نیازهای حوزه و روحانیت را تأمین می‌کرده است. امروزه نیز برخی بزرگان حوزه بر این باورند که همین منبع باید تکیه‌گاه اصلی قرار گیرد. اما متأسفانه سالهاست که اوقاف سابق حوزه نیز از تسلط او خارج شده است. این روند علی‌رغم پیروزی انقلاب و گذشت ده‌ها سال از آن، ظاهراً اصلاح نشده و همچنان بر سبیل گذشته ادامه دارد. حال آن‌که در عالم مسیحیت علی‌رغم تحولات بسیار گسترده در اروپا علیه کلیسا، هنوز کلیسا بهره‌برداری گسترده‌ای از موقوفات سابق خود دارد.

البته نمی‌توان تمام تقصیر را به گردن کسانی انداخت که اوقاف سابق را از مجرای اصلی خود خارج ساخته‌اند. افزون بر قصورها و تقصیرهایی که نسبت به اصلاح مفاسد ایجاد شده می‌توان بیان کرد، باید به این نکته نیز توجه نمود که حوزه نتوانسته است فرهنگ وقف را برای امروز و به نحو صحیحی در جامعه گسترش دهد. امروز در فرهنگ عموم مردم وقف، فعل خاص افراد بسیار متمول انگاشته می‌شود و این امر تبیین نشده است که با مشارکت

و سرمایه‌های اندک نیز می‌توان به وقف مبادرت نمود. از این گذشته، برای جذب افراد متمول و خیر نیز به نحو شایسته‌ای اقدام نشده است و فعلاً در غیبت حوزه و روحانیت، وقف نیز عموماً از حوزه مساجد و علم دینی، به سمت برخی خدمات اجتماعی رفته است که اگر واقفان نیز بدان سو نروند، از منابع مالی دیگر می‌توان آن‌ها را بدون هیچ شائبه و مفسده‌ای تأمین کرد.

نکته دیگری که در فرهنگ‌سازی وقف باید بدان توجه کرد این است که عوام، تشخیص علما را بر سلاقی خود ارجح بدانند. امروز سلیقه واقف در موارد متعددی وقف را از استفاده بهینه دور کرده است. درک عوامانه می‌تواند مانع پیشسازی حوزه‌ها با تکیه بر منابع مالی اینچنینی باشد؛ از همین رو شهید بهشتی برای تأسیس مدرسه علمیه مد نظر خود، شدیداً به دنبال خیریهایی بود که منبع مالی را تأمین کنند، اما در امور آموزشی و تربیتی دخالت نکنند. با این حال نیز بعدها ناچار شد از مدرسه حقانی نقل مکان نموده، مدرسه شهیدین را بنا نهد، چراکه دخالت‌های واقف در حال ایجاد اخلال در برنامه او بود. برای بهره‌برداری از موقوفات می‌توان چند گام اساسی را برداشت: احصای موقوفات سابق، به عهده گرفتن تولیت اوقاف مربوط به حوزه و احیای سنت وقف که محورهای اساسی استفاده از این منبع است.

#### □ ۳-۴. کمک‌های دولتی

پیروزی انقلاب اسلامی، روحانیت شیعه را در موقعیت کم‌نظیری در تاریخ قرار داد. در حالی که مفهوم طاغوت و نظام سیاسی خاص شیعه، همیشه فاصله‌ای بین حکومت‌ها و روحانیون ایجاد می‌کرد، با تشکیل حکومت جمهوری اسلامی، نظام سیاسی مطلوب شیعه به حاکمیت رسید. این تغییر بنیادین، برخی از سنت‌های حوزوی و جامعه شیعه را دستخوش چالش و

تحول کرد و این تحول ادامه خواهد یافت. از جمله آن سنت‌ها، نظام اقتصادی سازمان روحانیت بود. علی‌رغم آن‌که در گذشته عموماً امکان استفاده از منابع حکومتی مهیا نبود، اکنون این موقعیت کاملاً فراهم شده است، اما این امکان با استقبال برخی از بزرگان حوزه مواجه نشد.

با این حال می‌توان نظرات مخالفی نیز یافت که برخی بر وظیفه حکومت در این بخش و امکان استفاده از منابع مالی آن تأکید می‌کنند. از جنبه نظری و تئوریک، اصل استفاده از منابع مالی حکومت دینی برای حوزه‌ها، امر روشنی است، بلکه این کار بر دولت‌ها واجب است. اما تالی فاسدهای محتمل استفاده از این منبع و عدم رجحان آن نسبت به منابع دیگر، سبب پرهیز از آن شده است. این نتایج فاسد سبب شده‌اند که فعلاً به شیوه‌ای که پیش از تشکیل حکومت اسلامی مرسوم بوده، بسنده شود و منابع مالی حکومتی در حوزه‌ها، در خدمت ساخت و ساز بناهای مورد نیاز حوزه قرار گرفته و پرهیز از آن منحصر به مسئله معیشت طلاب شده است.

همان‌گونه که از بیانات بزرگان دیده می‌شود، یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های استفاده از منابع حکومتی؛ امکان خدشه وارد شدن به استقلال حوزه است، اما امروز سرنوشت حوزه‌های علمیه شیعی و حکومت جمهوری اسلامی، پیوند عمیقی به یکدیگر یافته است و باید ارتباط این دو روز به روز فعال‌تر شود. تنها راه تأمین استقلال نیز حذف اصل منبع مالی دولتی نیست و به نظر می‌رسد احتمال تأثیر کمک مالی حکومتی بر استقلال حوزه، با برنامه‌ریزی و به‌کارگیری برخی شیوه‌ها و مکانیزم‌ها می‌تواند بسیار کم‌رنگ شود.

به‌رحال آنچه روشن است، وضعیت کنونی نیاز به نظریه‌پردازی، طراحی و اندیشه دارد. سرازیر کردن منابع مالی حکومتی به ساخت و ساز و دور نگاه داشتن آن از معیشت طلاب، منجر به شکاف عمیق بین وضعیت معیشتی

طلاب و توانایی مالی سازمان روحانیت شده است. طلابی که در اجاره خانه‌های ساده مشکل‌های بسیار دارند، برای تحصیل و همایش وارد ساختمان‌هایی مجلل می‌شوند و نارضایتی خود را با تعبیر «قصرسازی» ابراز می‌کنند.

کما اینکه نیازهای مالی جدی رو به تزاید برای تأمین معیشت، هر آن ممکن است منجر به استفاده از سهل‌الوصول‌ترین منبع مالی یعنی منابع حکومتی گردد. اگر حوزه می‌خواهد همچنان از منابع مالی حکومتی دور بماند، باید منابع مالی دیگری به اندازه نیازهای خود تأمین کند. و به این نکته نیز عنایت شود که حفظ استقلال حوزه محدود در معیشت طلاب نیست و چه بسا همین ساختمان‌ها و نیازهای اداری سازمان روحانیت می‌تواند سبب وابستگی حوزه شود. با ورود هر دولت موافق، ساختمانی ساخته می‌شود که مخارج نگهداری آن منحصر به همان دولت نخواهد ماند. کما اینکه مستخدمان اداری حوزه و... نیز یک نیاز ثابت است، که ممکن است منابع دولتی برای آنها استفاده شود و در سال‌های اخیر نیز بالا و پایین کردن طیف‌های حوزوی با اختصاص بودجه‌های دولتی یا به کارگیری طیفی از آنها مشهود بوده است.

همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد، امروز استفاده از منابع مالی عمومی همراه با حفظ استقلال در سازمان‌های مختلفی در سطح جهان تجربه شده است. امروز دانشگاه‌ها، اتاق‌های فکر، نهادهای فرهنگی و حتی کلیساها از منابع مالی عمومی استفاده می‌کنند، بدون آن‌که آمدن و رفتن دولت‌های مختلف بتواند تأثیری بر آنها گذاشته و استقلال آنها را تهدید کند و استفاده از تجربه آنها کمترین تدبیری است که حوزه باید بدان توجه کند.

در بحث ساختمان‌سازی نیز باید ضوابط دقیقی برای استفاده از منابع مالی حکومتی در نظر گرفت. جلوگیری از تأثیرگذاری دولت‌ها از این طریق و صیانت از استقلال حوزه تا میزان نیاز به ساختمان و مقدار مجازی که

می‌توان برای یک ساختمان هزینه کرد، همه باید با ضوابطی منقح تحت مدیریت درآیند. طبیعتاً طراحی هنری که سبب نشاط در محیط آموزشی شود، مستحسن است اما افراط در آن، آسیب‌زاست.

#### □ ۴-۴. فعالیت اقتصادی

یکی از راه‌های تأمین مالی ورود به عرصه بنگاهداری و فعالیت اقتصادی است. با ورود به این عرصه می‌توان به منابع ثابت و قابل پیش‌بینی‌ای دست یافت که با تکیه بر آن برنامه‌ریزی‌های بلند مدت برای اداره سازمان روحانیت انجام داد. با توجه به تمرکز وجوهات شرعی در دست مراجع تقلید و خروج سیستم توزیع آن از وضعیت توزیع فوری، می‌توان با استفاده از این منابع وارد فعالیت اقتصادی گردید و مثلاً با تأسیس کارخانه یا به راه‌اندازی تجارت و... سرمایه‌گذاری‌های پربازده‌ای انجام داد. این راه از جانب برخی بزرگان تأیید شده و کم و بیش در مواردی تجربه نیز شده است و می‌توان مصداق‌های آن را بررسی کرد که در مجموع متأسفانه آسیب‌های آن شایان توجه بوده است. با این حال به نظر می‌رسد این مسیر کم و بیش در حال طی شدن است و گویی در این جا نیز یک حرکت کج دار و مریز جریان دارد، همچنان‌که مدیریت کج دار و مریز در منابع مالی دیگر نیز تبدیل به یک تاکتیک رایج شده است. شاید بهتر باشد ابعاد مسئله به خوبی کنکاش شود و در نهایت تصمیم قاطع و شفاف‌ی اتخاذ شود که همگان بدان پایبند باشند.

یکی از مشکلات بزرگ این نوع فعالیت، اقتصاد بیمار و رانتی ایران است که فعالیت در آن خصوصاً برای افراد و سازمان‌های صاحب نفوذ، در موضع تهمت قرار گرفتن را به همراه دارد و از همین رو می‌تواند به ناراحتی و اعتراض مردمی منجر شود. این اشکال چیزی نیست که نتوان آن را مرتفع کرد. با این

توضیحات، اولاً، می‌توان فعالیت اقتصادی را در امور نزدیک به رسالت و کارکرد روحانیت شیعه قرار داد. ثانیاً، یکی از عوامل در موضع تهمت قرار گرفتن و اعتراض مردمی، نبود شفافیت است که می‌توان با شفاف‌سازی این مشکل را برطرف کرد.

حتی می‌توان با فعالیت اقتصادی، بر افتخارات حوزه نیز افزود. سرمایه‌گذاری که امروزه با تولید اشتغال گره خورده، ارزش به شمار می‌آید و اگر در مجموعه‌ای که تحت تدبیر حوزه‌ها اداره می‌شود، ارزش‌های دیگری هم محور توجه قرار گیرد، این ارزش مضاعف می‌شود؛ مثل به‌کارگیری بخشی از محروم‌ترین مردم در این بنگاه‌ها (مثلاً نابینایان)، رسیدگی مناسب و پدرا نه به افراد شاغل در مجموعه، تولید کالاهای مناسب و مورد نیاز جامعه اسلامی و... .

با این حال نمی‌توان ادعا کرد که با اتخاذ این تصمیمات، تمام اشکال‌های این مدل از منبع مالی مرتفع می‌شود. چه بسا اصلی‌ترین اشکال استفاده از این شیوه، مزیت نداشتن آن نسبت به وابستگی مردمی باشد که در گذشته به بخشی از برکت‌های آن اشاره شد. اما اولاً، در این صورت باید بین مصالح و مفاسد نسبت‌سنجی شود و نمی‌توان به طرد کلی یک مدل از فعالیت رسید.

این شیوه تأمین مالی از جهاتی نسبت به وابستگی مردمی رجحان دارد که از جمله آن می‌توان به ثبات و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت اشاره کرد. ثانیاً، منابع تأمین مالی می‌تواند متنوع باشد و این مدل از فعالیت، تنها بخشی از منابع لازم را تأمین نموده و با تفکیک مواضع استفاده همچنان احساس مسئولیت در بین توده‌ها را حفظ کرد و از مزایای وابستگی مردمی هم بهره برد. ثالثاً، این منبع مالی نسبت به وابستگی مردمی، مرجوح است؛ اما نسبت به بودجه حکومتی و بهره‌گیری از منابع مالیاتی و... بسیار رجحان دارد. رابعاً، اصل فعالیت اقتصادی، منحصر به ورود مستقیم در این عرصه نیست. اگر مجموعه



ای از بنگاه‌های اقتصادی جزء اوقاف قرار گرفته و مدیریت آن در اختیار حوزه قرار گیرد، حوزه ناگزیر از مدیریت بنگاه‌های اقتصادی خواهد بود.

## ۵. کارآفرینی و مشاغل روحانیت

بخش شایان توجهی از منابع مورد نیاز سازمان روحانیت، برای تأمین معیشت روحانیون صرف می‌شود که در این مسئله شاغل بودن یا نبودن روحانیون یک مسئله مهم است و باید به محورهای آن توجه کرد که در ادامه بدان می‌پردازیم:

### □ ۵-۱. لزوم تمحض روحانیون به شئون دینی

استفاده از منابع مالی سازمان روحانیت شیعه در تأمین معاش روحانیون، با یک پرسش جدی مواجه است: چرا روحانیون برای خود شغل و حرفه‌ای انتخاب نمی‌کنند و شئون دینی را دست‌مایه تأمین معیشت خود قرار می‌دهند؟ این اشکال با تأکیدات قرآن مبنی بر عدم مطالبه مزد از سوی پیامبران الهی مضاعف می‌گردد و گاهی با روایات در مورد مذمت دین‌فروشی گره می‌خورد. این اشکال چنان در بین مردم رایج شده و حوزه در تبیین حقیقت ضعیف عمل کرده است که اگر بخواهند در رسانه‌ها یک روحانی مطلوب را به تصویر بکشند، معیشت او را به کشاورزی و نظایر آن گره می‌زنند و حتی برخی از طلاب نیز به داشتن مشاغلی چون مسافرکشی و امثالهم افتخار می‌کنند. حال آن‌که اصل قرار دادن این قاعده اشکال دارد. خصوصاً هنگامی که نیازهای جامعه به ادای رسالت حوزویان بسیار بیشتر از آن است که حوزه فعلی با نیروی انسانی خود بتواند محقق سازد و پرداختن به مشاغل مزبور مانند آن است که یک جراح حاذق که صدها نفر در صف انتظار جراحی او قرار گرفته‌اند،

بخواهد مشغول کشاورزی شود و در اوقات فراغت خود اگر توانست به یک مریض نیز توجه کند!

### □ ۵-۲. لزوم پرهیز از شغل قلمدادکردن شئون اصیل روحانیت

فضای مطالبه اشتغال از روحانیون، در برخی موارد این مفاسد را به همراه داشته است که برخی، شئونی چون امامت جماعت، تبلیغ و انذار دینی و... را شغل شمرده و در پاسخ به اشکال‌کنندگان به چرایی عدم اشتغال روحانیون، آن‌ها را شاغل معرفی کرده و شغلشان را همین شئون اصیل یک روحانی برشمردند. حال آن‌که شغل شمردن این شئون به معنای متعارف (معادل‌سازی از آن برای تأمین معاش)، به هیچ روی با دین الهی سازگار نیست. بیان مکرر و مؤکد قرآن کریم مبنی بر تأکید انبیای الهی در عدم مطالبه مزد، به خوبی نشان می‌دهد که نباید ایفای رسالت الهی را معادل کسب معیشت قرار داد؛ همچنان‌که در فقه شیعه نیز طلب مزد در مقابل انجام واجب معین حرام است. البته این همه نافی ضرورت تأمین نیازهای معیشتی، روحانیون نیست، بلکه باید با توجه به آن تبیین و مسیر دیگری را برای تأمین معیشت روحانیون مد نظر قرار داد.

### □ ۵-۳. ناگزیری از پذیرش اشتغال برخی روحانیون

علی‌رغم آن‌که نیروی انسانی سازمان روحانیت از جنبه کمیت با رسیدن به نقطه مطلوب فاصله داشته و در ایفای ابعادی از رسالت خویش به شکل جدی ناتوان است، اما نمی‌توان از تمام تحصیل‌کردگان حوزوی توقع داشت که همگی به شئون اصلی روحانیت پایبند باشند. افزون بر این‌که ناتوانی سازمان روحانیت در تأمین معاش روحانیون، لزوم پذیرش برخی مشاغل

را برای روحانیون الزامی می‌کند. عدم محذوریت در شغل محسوب نمودن برخی از شئون روحانیون مثل تعلیم در مدارس و دانشگاه‌ها، ناتوانی برخی از تحصیل‌کردگان حوزوی در ایفای مناسب شئون روحانیت و امثالهم، مجوزی برای پذیرش اشتغال برخی تحصیل‌کردگان حوزوی در برخی مشاغل می‌شود.

#### □ ۴-۵ . لزوم برنامه‌ریزی برای اشتغال روحانیون

با پذیرش اشتغال برخی روحانیون به شئون غیر اصیل روحانیت، مسئله اشتغال روحانیون خاتمه نمی‌یابد، بلکه این پذیرش را باید نقطه آغاز برنامه‌ریزی دانست. در واقع سازمان روحانیت در این عرصه وظایفی دارد که باید بدان‌ها اهتمام داشته باشد، وظایفی چون:

□ الف) شناسایی استعدادهای مختلف و متصل کردن هر داوطلب به

بهترین شغل و موقعیت با توجه به توان او؛

□ ب) لزوم آموزش مهارت‌ها و بایسته‌های اشتغال برای طلاب داوطلب؛

□ ج) لزوم شناسایی شغل‌های ممکن و مناسب و تعامل با سایر نهادها

برای جذب طلاب و... .

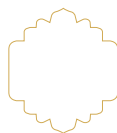
در صورت عدم اعتنای حوزه به این وظیفه، آسیب‌های بسیاری ایجاد خواهد شد؛ مثلاً اگر استعدادیابی و تعامل با سازمان‌ها برای جذب روحانیون توسط حوزه برنامه‌ریزی نشود، هر کدام از سازمان‌ها متناسب با مصالح خود، سعی می‌کنند بهترین استعدادها را برای خود بردارند و در این صورت کسانی که می‌توانستند بارهای بزرگ‌تری را به دوش بگیرند، از دست حوزه خارج می‌گردند، همچنان‌که تا کنون نیز حوزه از این زاویه آسیب‌های بسیاری دیده است. رها شدن این مسئله توسط حوزه در حال حاضر سبب شده است تا سازمان‌های متعددی، طلابی که سال‌ها در حوزه تحصیل کرده‌اند و به نوعی

خروجی حوزه محسوب می‌شوند را جذب نموده، حتی برنامه مهارت‌آموزی برای آنان را نیز خود اجرا کنند که به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی «این روند، نهال فروشی است.» اگر حوزه اصل وظایف خود را در این عرصه بپذیرد، طرح‌های متعددی برای اجرایی شدن وجود دارد.

### □ ۵-۵. جلوگیری از مشاغل آسیب‌رسان

یکی از ابعاد لازم برای برنامه‌ریزی سازمان روحانیت در مسئله اشتغال روحانیون (که به دلیل اهمیتش، سزاوار است جداگانه بررسی گردد)، پالایش مشاغل روحانیون است. تا از اشتغال‌های آسیب‌رسان جلوگیری گردد. اشتغال را از چند جهت می‌توان آسیب‌رسان تشخیص داد.

برخی مشاغل در زمان نامناسب محقق می‌شوند؛ یعنی طلبه‌ای که هنوز نتوانسته دوره لزوم تمحض تحصیلی خود را پشت سر بگذارد و دست‌مایه‌های قوی برای نقش‌آفرینی کسب کند، به شغلی اشتغال یابد. برای حل این مشکل باید با تفکیک بین طلاب ممحض و طلابی که سال‌های تحصیلی خود را پشت سر گذاشته‌اند و تأمین مناسب طلاب محصل، این مشکل را حل کرد، برخی مشاغل نیز به وجهه عمومی روحانیت در جامعه آسیب وارد می‌نمایند. حوزه در قامت یک سازمان نباید اجازه دهد هر فردی با نام این سازمان به هر آنچه مایل است، مشغول شود. اگر سلیقه یک طلبه متناسب با اداره یک باشگاه بلیارد برای تأمین معاش است، این نباید با سکوت و بی‌تفاوتی حوزه همراه باشد و اجازه داده شود وجهه روحانیت با عمل یک فرد (که خود را همچنان عضوی از سازمان روحانیت می‌خواند) آسیب ببیند. حوزه باید ضمن پرهیز دادن از این‌گونه اشتغالات، با شناسایی شغل‌های مناسب و اولویت‌دار، طلاب را به سمت آن راهنمایی کند.



## ❁ (ج) مدیریت منابع مالی سازمان روحانیت

پس از تأمین منابع مالی لازم برای یک سازمان، مدیریت آن برای استفاده بهینه و جلوگیری از سوءاستفاده‌ها و هدررفت‌ها یک امر بسیار مهم است. این امر برای سازمانی که با کمبود منابع مواجه است و حساسیت‌ها نسبت به استفاده دقیق از منابع در آن، ده‌ها برابر حساسیت معمول است، امری بسیار حیاتی می‌باشد. مردمی که با انگیزه‌های الهی و جهت آبادانی آخرت خود، به دنبال صدقه جاریه بوده و می‌خواهند اموال خود را در پربازده ترین امور صرف کنند، اگر با احتمالی هرچند ضعیف، مبتنی بر هدر رفت اموال خود مواجه شوند، حق دارند که از بذل اموال خویش دریغ کنند یا آن را در جای دیگری صرف نمایند.

اقشار متوسط یا ضعیفی که با وسواس بسیار و دقت ارزشمند، خمس اندک اموال خود را محاسبه کرده و با تواضع و خضوع تقدیم مراجع و روحانیون می‌کنند، اگر یک مورد از سوءاستفاده از این منابع را مشاهده کنند، ایمانشان در معرض آفت قرار می‌گیرد. این احتمال در دنیای امروز با

گسترده‌گی رسانه‌ها و اغراض سوء دشمنان دین حق، امر بعیدی نیست که اندک تسامحی در تدبیر و برنامه‌ریزی دقیق روا باشد. سازمان روحانیت باید همانند سابقه تاریخی پرافتخار خود در اهتمام به این امور، همچنان در حفظ و به‌کارگیری منابع مالی خود با نهایت دقت و وسواس عمل کند و علاوه بر پیشگیری از دست‌درازی‌های افراد بی‌ایمان و سالوس‌صفت، منابع را در بهترین و پربازده‌ترین مسیر مصرف نموده، مردم را به عنوان تأمین‌کنندگان اصلی منابع مالی در جریان قرار دهد و برایشان این اطمینان را ایجاد کند که مبالغ‌اهدایی آن‌ها به نحو مطلوب به کار گرفته شده‌اند. هرچند که مردم با تحویل اموال خود با رعایت شرایط معمول، معامله خود با خدای متعال را نهایی کرده‌اند، اما اطمینان قلب مراتبی دارد که تأمین آن مطلوب بوده و حتی پیامبران اولوالعزمی چون ابراهیم(ع) نیز به دنبال آن بوده‌اند، همچنان‌که این خواسته از جانب خدای متعال نیز مقبول است.

البته اهمیت این مسئله مد نظر بوده و تدابیری اندیشیده شده است؛ از جمله آن‌که امروز اموال یک مرجع پس از رحلت او، سریعاً تحت نظر بزرگان حوزه قرار می‌گیرد تا اجازه سوءاستفاده به برخی افراد فرصت‌طلب و بی‌ایمان داده نشود، با این همه و با نهایت تأسف باید گفت که هنوز مدیریت مطلوب نسبت به منابع مالی حوزه ایجاد نشده است و دلیل عمده آن تکیه افراطی به نیروی ایمان بزرگان و عدم توجه به لزوم تدبیر و تخصص به‌روز است. به نظر می‌رسد سازمان روحانیت برای رفع این مشکل باید منابع مالی خود را تا حد امکان متمرکز نموده و مدیریت آن را به افرادی با نهایت تعهد و تخصص بسپارد.

امروز جمع شدن منابع مالی در یک نقطه، خود عامل کسب قدرت و توان است و با این تجمیع می‌توان به برنامه‌ریزی کلان و پرداختن به اولویت‌ها

مبادرت نمود. واگذار نمودن امر به سلايق متعدد می‌تواند ميل برخی افراد را بیشتر تأمین نماید، اما حوزه در صد سال گذشته یک مرتبه از این مرحله عبور کرده است و اموال پراکنده شیعیان در دست مراجع تقلید مجتمع شده است؛ اما با توجه به تکثر مرجعیت و جدی بودن احتمال استمرار این روند به دلیل فضای عصر حاضر (تکثر گروه‌های مرجع در جامعه امروزی قابل حذف نیست.) متمرکز شدن نظام آموزشی حوزه در حوزه قم و تشکیل شورای عالی حوزه برای هماهنگ کردن نظر تمام مراجع، به نظر می‌رسد باید تا حد امکان منابع مالی حوزه زیر نظر شورای عالی حوزه متمرکز شود و آن‌ها ضمن تعیین سیاست‌ها، مؤسسه‌ای مالی و تخصصی برای مدیریت اموال سازمان روحانیت ایجاد کنند،

ضمن آن‌که امروزه اموال سازمان روحانیت، تنها مبالغی که به شهریه و مانند آن اختصاص می‌یابد، نیست. در سال‌های اخیر دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و تخصصی زیادی تحت اشراف برخی بزرگان ایجاد شده است که ممکن است پس از رحلت آن‌ها مورد سوءاستفاده قرار گیرند و از غرض اصلی مؤسس دور شوند. همچنین یک سازمان باید تمام بخش‌های خود را به یکدیگر متصل کند. بخش مالی، تأمین‌کننده نیروی پیشران یک سازمان است و معقول نیست که بین نیروی پیشران و نیروی هدایت‌کننده شکاف وجود داشته باشد وگرنه مانند آن است که در هدایت یک اتومبیل، گاز و ترمز به دست کسی سپرده شود و یک فرد دیگر بدون هماهنگی و ارتباط با فرد اول، فرمان را به دست گرفته باشد.

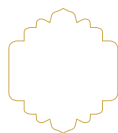
افزون بر این‌ها، بخش مالی، هزینه‌هایی را لازم دارد و وجود چندین بخش مالی در سازمان روحانیت خود عاملی برای اسراف و صرف غیر بهینه اموال است. البته شورای عالی حوزه باید به گونه‌ای مدیریت کند که طلاب و

روحانیون با آنها کاملاً همراه و موافق شوند؛ خصوصاً که بخش عمده‌ای از منابع مالی حوزه که با تلاش روحانیون محقق می‌شود.

سلسله  
مباحث  
تحول حوزه







## ❁ (د) نظام مطلوب توزیع منابع مالی

همان‌گونه که در مبحث مدیریت منابع مالی اشاره شد، مصرف بهینه از منابع مالی سازمان روحانیت امر بسیار مهمی است. اگر حوزه و روحانیت منابع مالی سرشاری در اختیار داشته باشند، اما این منابع به نحو منطقی و هدایت‌شده توزیع نگردند، مانند رها کردن آب سد، بدون کانال‌کشی و بهینه‌سازی مصرف است که ابتدایی‌ترین اشکال آن اسراف است و قطعاً قبح اسراف و مذمت آن در اسلام تنها در سطح فردی خلاصه نمی‌شود. ضمن آن‌که اشکال عدم استفاده بهینه، بسیار فراتر و گسترده‌تر از عنوان اسراف است. درحالی‌که سازمان روحانیت مشکل جدی در تأمین منابع مالی مورد نیاز دارد و بسیاری از نیازهای آن معطل مانده است و طلاب در وضعیت معیشتی بسیار بدی به سر می‌برند، اهمیت طراحی نظام توزیع دقیق صدچندان می‌شود. در ادامه تا حد ممکن به تبیین و بررسی این محورها در نظام توزیع پرداخته می‌شود: که چه میزان پرداخت شود؟ به چه کسی پرداخت شود و تا چه زمان پرداخت شود؟ چگونه پرداخت شود؟ و ... .

## ۱. معیار در معیشت طلاب و روحانیون

در بحث میزان لازم در پرداخت‌ها برای طلاب می‌توان سقف و کف بسیار فاصله داری را با توجه به زوایای مختلف مطرح کرد. اگر کسی بخواهد به سطح و شأن اجتماعی یک طلبه توجه کند، می‌تواند اقتضائات زندگی یک استاد دانشگاه را برای طلابی که سالیانی از تحصیل آن‌ها گذشته است مطرح کند. اما از سوی دیگر ممکن است با توجه به مفاهیمی چون زهد و قناعت، پایین‌ترین سطح زندگی را برای یک طلبه مطرح نمود. آنچه روشن است این‌که: اولاً، در تأمین ضروریات زندگی نمی‌توان هیچ تردیدی داشت و نباید قائل به جواز وجود زحمت و مصائب معیشتی شد، چراکه بی‌تردید مشکلات معیشتی به رسالت طلبگی آسیب می‌رساند، حتی اگر شخص در نهایت درجه زهد باشد. ثانیاً، در نگاه سازمانی باید حال متوسط افراد در نظر گرفته شود. بنابراین آنچه باید معیار قرار گیرد، حد کفاف است که تشخیص میزان آن با توجه عرف جامعه و اقتضائات زمان روشن می‌شود. در روزگاری که تحصیل، مستلزم بهره‌مندی از امکاناتی چون رایانه است، ارتباطات مستلزم بهره‌مندی از تلفن همراه است، رفت و آمد، خوراک، پوشاک و ... هر کدام اقتضائات و شئونی دارند، نمی‌توان به سطح رویین گذشته استناد نمود و خواستار عدول از برخی امکانات لازم زندگی شد. و ناگفته پیداست که عرف جامعه متناسب با سن فرد، تجرد و تاهل، تعداد فرزندان، منطقه زندگی اقتضائات مختلفی دارد و بی‌معناست که بین طلبه مجرد نوجوانی که تازه وارد تحصیل حوزوی شده است، با فرد میان‌سال که مدت‌ها از تحصیل او می‌گذرد و عائله‌مند شده مساوات برقرار باشد. با این همه، ساده‌زیستی، اصلی است که خود طلاب و روحانیون هرگز نباید آن را فراموش کنند.

## ۲. مضمولان تأمین مالی توسط سازمان

شاید اگر با نگاه غیرسازمانی به روحانیون نگریده شده شود و کارایی و ثمربخشی افراد مد نظر نباشد، بتوان سهم امام علیه السلام را حق همه طلاب و روحانیون خواند! همچنان که به غلط در بین عوام رایج شده است و آن‌ها تصور می‌کنند تمام منابع بیت‌المال حق مشترک همه افراد است و هر کس با هر سطح درآمدی می‌تواند حق خود را مطالبه کند. در این صورت معیار قرار دادن فضل و سابقه نارواست. اما با نگاه سازمانی آنچه اهمیت می‌یابد، اتخاذ بهترین روش برای تأمین اهداف است و همین نوع نگاه مستلزم اولویت‌بندی‌های متعدد می‌گردد که متناسب با ضرورت‌های سازمان و کارایی‌های افراد باید تمایزهای بسیار برقرار کرد. این جاست که باید گفت نظام توزیع حوزه مشکلات عدیده و اشتباهات بسیار دارد.

برای بهینه‌سازی نظام توزیع، نخست باید افراد به گروه‌های مختلف تقسیم شوند: برخی افراد دوره تحصیل را سپری می‌کنند؛ برخی قابلیت‌های لازم برای پژوهش و تولید علم را کسب کرده‌اند یا برای استمرار نظام تعلیمی بدان‌ها نیاز است و برخی نیز مشغول تأمین اهداف نهایی سازمان هستند و در صف عملیاتی قرار گرفته‌اند.

برای گروه اول که مشغول دوره تحصیلی خود هستند، باید با اختصاص هوشمندانه منابع، نیاز سازمان به نیروی انسانی لازم تأمین شود. به عبارتی شاخه‌های مختلف علوم اسلامی مد نظر قرار گیرند، میزان نیاز به هر شاخه و سهم آن از کل هندسه علوم دینی روشن گردد و با در نظر گرفتن زمان لازم برای کسب تخصص در آن رشته، منابع مالی بدان سمت گسیل داده شود. در واقع نظام مالی یکی از چرخه‌های مهم انگیزه‌ساز است که باید در راستای تأمین نیاز اصلی و هدف غایی قرار گیرد و نمی‌توان تشخیص را تماماً به افراد

و سلايق شخصی واگذار کرد، بلکه بايد با نگاه کلان و از بالا برای تأمين نیاز برنامه‌ريزی نمود. در این صورت نمی‌توان بدون توجه به رشته و سال‌های اشتغال به تحصیل به هر کسی که مایل به تحصیل است، شهریه پرداخت کرد و اگر برنامه‌ريزی در این امر صورت گیرد، نه برخی از شاخه‌های علوم اسلامی دچار تعطیلی می‌شوند و نه حوزه قم مبتلا به رسوب و ماندگاری مادام‌العمر طلاب می‌شود، درحالی‌که نیازهای شهرستان‌ها بر زمین مانده است. و در این صورت دیگر برپایی ۵۰۰ درس خارج در حوزه معنا ندارد.

حتی در برنامه‌ريزی بین قم و شهرهای دیگر می‌توان تمایز اساسی برقرار کرد. قم در هیئت مرکز اصلی، باید بیشتر مورد اهتمام باشد و در شهرهای دیگر می‌توان تحصیل و تبلیغ را کاملاً هم‌زمان پیش برد؛ بدون آن‌که به تمحض طلاب لطمه‌ای وارد کند و از این جهت می‌توان در بهبود معیشت آن‌ها نیز تأثیر گذاشت.

در صورت عملیاتی شدن این برنامه‌ريزی، منابع زیادی آزاد می‌شوند و آن‌گاه لازم نیست، طلبه‌ای که مسیر اصلی پژوهش را برگزیده است و تولید احتیاجات علمی را به عهده گرفته است، یا طلبه‌ای که خود را وقف تدریس نموده است، به اندازه همان طلابی که مشغول تحصیل هستند و هنوز مسیر آینده‌شان مشخص نشده، شهریه دریافت کند! بلکه باید سطح مطلوب معیشتی را برای این دسته تدارک دید تا مانعی بر سر راهشان قرار نگیرد و آن‌ها را از ایفای رسالت خویش باز ندارد یا جاذبه‌های مسیره‌های دیگر، حوزه را از استعدادهاى علمی و پژوهشی خود محروم نکند. حتی باید برای تأمين نیروی انسانی بخش پژوهش، باید سال‌ها پیش از بروز و ظهور نهایی این افراد، درصد شناختن آنها برآمد و متناسب با استعدادها بهترین‌ها را برای این رسالت انتخاب نمود و از ابزار مالی نیز در این امر بهره برد.

اما نسبت به دسته سوم و کسانی که در صف عملیات قرار گرفته‌اند، سازمان روحانیت، نمی‌تواند خود را فارغ از مسئولیت بداند و تأمین مالی آن‌ها را به خودشان واگذار کند، خصوصا با توجه به اینکه نحوه گذران معیشت، در واقع با زی طلبگی ارتباطی تناهنگ دارد و استفاده از وجوهات، خود عاملی جهت تقویت زی طلبگی می‌باشد. طبیعتا این طیف مجال مناسبی برای تأمین مالی خود دارند، اما همان‌گونه که در بحث اشتغال طلاب مطرح شد، برخی شئون روحانیون را نمی‌توان شغل محسوب کرد و نباید اجازه داد رابطه مستقیم عرضه و تقاضا بین آن‌ها و استفاده‌کنندگان از خدماتشان برقرار شود، بلکه سازمان روحانیت باید همچنان متولی تأمین معیشت آن‌ها باشد هرچند سازوکار این امر، بسیار متفاوت از تأمین معیشت افراد مشغول تحصیل است. همچنین ممکن است بخشی از روحانیون به دلایلی از ایفای هر گونه نقش عاجز گردند که در صورت بقای هویت صنفی آن‌ها، سازمان روحانیت همچنان نسبت به آن‌ها مسئول است و نسبت به کسانی که هویت صنفی آن‌ها مخدوش شده است، سازمان باید از اختصاص منابع مالی خود، جلوگیری نماید؛ کما اینکه در مواردی که نیاز مالی به سازمان وجود ندارد، باید به این کار مبادرت نمود.

به نظر می‌رسد اکنون ضرورت‌های این عرصه روشن و مسیر اجرایی آن نیز تا حدودی هموار شده است و مسئولان درصدد محقق کردن آن هستند. نکته مهمی که در این راستا نباید از آن غفلت کرد، اصل به‌کارگیری مدل دینی و استفاده از نظارت‌های درونی افراد است که ضمن طراحی مکانیزم‌های نظارتی بیرونی و برنامه‌ریزی کلان، نگاه درونی فرد نیز باید تقویت شود.

روشن‌ترین و کم‌حاشیه‌ترین مسئله نظام توزیع منابع مالی از جنبه تئوری، نحوه پرداخت منابع مالی است و چه بسا اگر کسی با واقعیت‌های کنونی در این زمینه ناآشنا باشد، اصل طرح چنین بحثی را زائد و بیهوده بخواند، اما با هزاران افسوس باید گفت که امروز از منظر واقعیت میدانی، آزردهنده‌ترین مسئله نظام مالی سازمان روحانیت، همین بحث است. تمسک به سنت‌هایی که زمان آن به سر آمده، عدم درک واقعیت‌های امروز و روند اصلاحی بسیار کند، عامل بزرگی برای خدشه به آبروی سازمان روحانیت گشته است و حکایت از نقیصه ای بسیار بزرگ دارد.

سازمان روحانیت که نیروی انسانی آن باید در اوج کرامت و حریت قرار داشته باشد تا بتواند با نیروی درونی، هر مانع بیرونی برای اصلاح جامعه را از سر راه بردارد، خود به دست خویشتن، عزت و کرامت طلاب را لگدمال می‌کند که توصیف آن برای آشنایان به مسئله ضرورتی ندارد و شرم‌آور بودن آن مانع توصیف وضعیت برای ناآشنایان می‌شود.

روزگاری نه‌چندان دور، تعداد طلاب آن‌قدر محدود بود که برای پرداخت شهریه، کافی بود مسئول آن به چند مدرسه سرکشی نماید و در زمان اندکی کار خود را به اتمام برساند، اما با رشد و گسترش تعداد طلاب، کم‌کم این روند به تمرکز گرایید و طلاب در حوزه علمیه قم باید برای دریافت شهریه به مکان مشخص شده ای (فیضیه) مراجعه نمایند! همین امر و صرفاً نیاز به مراجعه خود طلبه، از نظر روحی می‌تواند آسیبی برای عزت و توکل طلاب به شمار آید! حال اگر ایستادن در صف‌های طولانی و پرشمار در مکان تنگ برای دریافت‌های ناچیز را به آن اضافه کنیم، معلوم است که چه بر سر عزت طلاب می‌آید.

البته نمی‌توان انکار کرد که این شیوه در برخی سطوح کنار گذاشته شد، اما

اولاً، کنار گذاشته شدن آن بی‌هیچ دلیل منطقی و معقولی زمان بسیار برد که واکاوی آن را لازم می‌کند تا ریشه‌های آن در مواضع دیگر آسیب نرساند؛ ثانیاً، همچنان این شیوه منسوخ در سطوحی ادامه دارد!

وجود مشاوران غیرخبره و افراد ذی‌نفع در تمسک به این روش اسفبار را می‌توان عاملی مهم در بقا و بطی بودن زوال آن برشمرد که حتی مراجع بزرگوار تقلید را هم در تغییر وضعیت با ناکامی‌های متعدد مواجه کردند. آفات این شیوه بسیار است؛ از آسیب روحی برای طلاب تا هدر رفت وقت و هزینه و... بسیار بعید است کسانی که مسبب این وضع هستند بتواند روز قیامت پاسخی برای آن داشته باشند. سهم امام که باید با نهایت دقت و در بهترین موضع هزینه شود، با این شیوه حتی از جنبه مادی نیز بی‌اثر است. هزینه‌ای که برای راه انداختن دفتر مجزا و استخدام مقسمین و... پرداخت می‌شود و مبلغی که طلاب برای رفت و برگشت هزینه می‌کنند، چه بسا معادل تمام مبلغ پرداختی یک مرجع به طلاب باشد که طلاب به دلیل عمق مشکلات معیشتی خود ناگزیر از پذیرش این وضعیت شده‌اند.

البته برخی طلاب برای فرار از این وضعیت اسفبار، دریافت این شهریه‌ها را به واسطه‌ای سپرده‌اند که این امر نیز نوعی کاسبی برای عده‌ای ایجاد نموده است و معلوم نیست چه شبکه‌ای گسترده بین مقسمین و واسطه‌ها و... شکل گرفته است. در این باب سخن بسیار است، اما شدت تأثر از واقعیت مورد اشاره و شفاف و بپن بودن آن برای اهلش، مانع سخن بیشتر در این امر است.



#### ۴. استفاده از ابزارهای خدماتی

راه تأمین معاش و رفع دغدغه‌های معیشتی طلاب منحصر به تقدیم

وجه نقد نیست، بلکه می‌توان از برخی شیوه‌های رایج در سایر سازمان‌ها نیز بهره برد و از این طریق سطح دغدغه‌های معیشتی را بسیار کاهش داد. ایجاد یک بیمه درمانی جهت آسودگی خاطر برای مواقع بیماری، تأمین یک مسکن حد‌اقلی و موقت برای زمان تحصیل، امکان ارائه کمک در مواقع اضطراری و... مسائلی هستند که در سالیان اخیر توجه خوبی به آن‌ها شده و درحالی‌که سابقه‌ای طولانی ندارد، با بهره‌گیری از آن‌ها دغدغه‌های معیشتی طلاب با خدمات‌رسانی شایسته کاهش درخور توجهی یافته است. اما همیشه باید توجه داشت که خدمات، یک بخش کوچک از نظام معیشتی طلاب و روحانیون است و نباید توقع حد‌اکثری از آن داشت.

در این بخش برخلاف قسمت‌های دیگر نظام مالی حوزه، به دلیل نداشتن پایبندی به سنت‌هایی که گاهی کارآمدی و به روز بودن آن‌ها در کانون توجه نیست، مشکلات بسیار کمتر است، اما همچنان باید تدابیر هوشمندانه، آسیب‌سنجی مستمر و نیازسنجی مداوم مد نظر باشد و از ایجاد هر نوع مشکل جدید جلوگیری نمود. اما متأسفانه این راهبری‌ها جدی گرفته نشد و آسیب‌ها سال‌های پسین؛ خود را به شکل جدی نشان داد.